

## آینده پژوهی تحول در حکمرانی فرهنگی با عاملیت هوش مصنوعی<sup>۱</sup>

سیدمحمدصادق مرکبی<sup>۲</sup>

تاریخ ارسال: ۱۴۰۴/۰۶/۰۶ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۶/۳۰

### چکیده

حکمرانی فرهنگی عبارت است از الگوی راهبردی فرهنگی امور کشور با هدف ایجاد تعادل، پیشرفت و ارتقای ارزش‌ها، هنجارها، باورها و رفتارهای آحاد امت اسلامی. این مفهوم، شامل سیاست‌ها، راهبردها، برنامه‌ها و اقدامات نهادها و مجموعه‌های دولتی و غیردولتی است که با هدف رشد همه‌جانبه و تعالی جامعه در نظر گرفته و اجرا می‌شوند. افق آینده‌پژوهانه تحول در عرصه حکمرانی فرهنگی با عاملیت هوش مصنوعی، ترسیم چشم‌اندازی دین‌مدار است که موضوع اصلی این پژوهش به شمار می‌رود. با توجه به پیشینه مطالعات و مرور تجارب موجود، فرض پژوهشگر بر آن است که به‌کارگیری هوش مصنوعی- به عنوان یک فن‌آوری نوین و کارآمد- طیف گسترده‌ای از قابلیت‌های تغییر و تحول در الگوهای آتی حکمرانی فرهنگی را ارائه خواهد داد. بر این اساس، در این مقاله، برخی از جنبه‌های کلیدی این تحول و چالش‌های پیش روی آن در الگوی حکمرانی فرهنگی موردشناسایی قرار گرفته‌اند. اصلی‌ترین محورهایی که با روش آینده‌پژوهی<sup>۳</sup> و با عاملیت هوش مصنوعی به‌دست آمده، عبارت‌اند از: سازوکار به‌کارگیری هوش مصنوعی به عنوان دستبازی راهبردی در حکمرانی فرهنگی، ارائه چهارچوب‌های هم‌زمانی حفظ هویت محلی با تغییرات پویای فن‌آورانه، شناسایی دستورالعمل‌های اخلاق حرفه‌ای و فن‌آورانه، چگونگی بهره‌برداری مسئولانه از فناوری در حکمرانی فرهنگی و نیم‌نگاهی به فرایند تسهیل مشارکت آحاد جامعه در تولید و نظارت بر محتوا در حکمرانی فرهنگی. این پژوهش در زمینه روش تحقیق، از مطالعات مرتبط در حوزه حکمرانی فرهنگی بهره برده و نمونه‌هایی از تجارب داخلی و خارجی به روش آینده‌پژوهی، دستمایه اصلی محقق بوده است.

### واژه‌های کلیدی

حکمرانی فرهنگی، آینده‌پژوهی، تحول، مدیریت راهبردی فرهنگی، هوش مصنوعی.

۱. این مقاله براساس نظر گروه دبیران و سردبیر فصلنامه، پژوهشی است.

۲. استادیار گروه تلویزیون، دانشکده تولید رادیو و تلویزیون، دانشگاه صداوسیما، تهران، ایران (نویسنده مسئول).

morakabi@iribu.ac.ir

3. Futures Research Method.

## مقدمه

حکمرانی فرهنگی<sup>۱</sup> با عاملیت هوش مصنوعی<sup>۲</sup> در آستانه تحولاتی نوین قرار دارد. در دنیای پرشتاب کنونی، حکمرانی فرهنگی به مثابه یک چهارچوب و سازوکار کلیدی برای حفظ هویت، تعالی ارزش‌ها و پاسخ‌گویی به چالش‌های ناشی از رویکردهای جهانی و فناوری‌های نوظهور، جایگاهی بی‌بدیل یافته است. این مفهوم که در مرز میان سیاست، فرهنگ و فن‌آوری قرار دارد، نه تنها به مدیریت امور جاری فرهنگی محدود نمی‌شود، بلکه با ترسیم راهبردهای بسترساز و چشم‌اندازهای بلندمدت، به دنبال ساخت آینده‌ای است که در آن فرهنگ به عنوان موتور محرک رشد و توسعه پایدار عمل کند. با این حال، ظهور فن‌آوری‌های پیشرفته‌ای مانند هوش مصنوعی، منظومه حکمرانی فرهنگی را با پرسش‌هایی بنیادین مواجه ساخته است. محقق در این مقاله با تمرکز بر آینده‌پژوهی تحول در حکمرانی فرهنگی، علاقه‌مند به بررسی نقش و عاملیت هوش مصنوعی در بازتعریف ساختارها، روابط فرهنگی و اجتماعی و فرایندهای بایسته حکمرانی فرهنگی در جامعه اسلامی و انقلابی ایران است. هدف اصلی نیز دستیابی به چهارچوبی است که در آن هوش مصنوعی نه تنها به عنوان یک ابزار آینده‌پژوهی، بلکه به عنوان یک دستیار کارآمد در تدوین راهبردهای فرهنگی ایفای نقش کند. این رویکرد، مستلزم عبور از نگاه ابزاری صرف به فن‌آوری و فرم‌ها و قالب‌ها است و حرکت به سمت درکی ترکیبی و شناختی از استخدام صحیح و بهره‌مندی به‌جا از امکانات و تعاملات با ابزار فن‌آورانه و هوش‌مند را می‌طلبد. اگرچه پژوهش‌های پیشین به خوبی بر اهمیت حکمرانی فرهنگی در حفظ هویت و پاسخ به تحولات فن‌آورانه تأکید داشته‌اند، اما سه شکاف عمده در ادبیات موجود قابل ردیابی است: «غیاب عاملیت فعال هوش مصنوعی»، «تنش ارزشی ناشناخته» و «فقدان فرآیندهای<sup>۳</sup> بلندمدت» که به بخشی از شبکه مسائل تحقیق حاضر نیز اشاره دارند. این مقاله با پیشنهاد

1. Cultural Governance.

2. Artificial Intelligence.

۳. فرآیندها در آینده‌پژوهی و آینده‌نگری، هم‌ارز Scenario است؛ منبع: گروه واژه‌گزینی دفتر فرهنگ واژه‌های مصوب فرهنگستان.

به‌کارگیری و اتکا به سه رکن نظری «حکمرانی شبکه‌ای»<sup>۱</sup>، «آینده‌پژوهی انتقادی»<sup>۲</sup> و «عاملیت هوش مصنوعی»<sup>۳</sup> درصد مرتفع‌ساختن مسائل مزبور و آثار آنهاست. بر این اساس، مقاله حاضر با مرور نظام‌مند پیشینه پژوهش‌های انجام‌شده در عرصه حکمرانی فرهنگی به واکاوی نقاط اشتراک، افتراق و خلاءهای پژوهش‌های موجود در حوزه حکمرانی فرهنگی و هوش مصنوعی پرداخته شد و علاوه بر مطالعه و مفهوم‌شناسی مفاهیم و اصطلاحات اصلی تحقیق، نسبت به بازتعریف جهش‌های حکمرانی و جامعه‌شناسی، جایگاه تحول در حکمرانی فرهنگی و آینده‌پژوهی تحول در پرتو فناوری‌های نوین نیز ادبیات موردنیاز تدارک گردید. ارائه فرآیندهای چهارگانه محتمل تحول برای حکمرانی فرهنگی در عصر هوش مصنوعی، تحلیل چالش‌های اخلاقی و فرهنگی مانند سوگیری دستورالعمل‌ها و حریم داده‌های فرهنگی و در نهایت چهارچوب پیشنهادی برای ادغام هوش مصنوعی در فرآیندهای حکمرانی فرهنگی، با تأکید بر آموزش، شفافیت و نظارت چندلایه، از جمله مباحثی مطرح در مقوله حکمرانی فرهنگی است که سعی شده است در طول تحقیق به آنها پرداخته شود و البته جهت‌گیری کلان و استدلال‌های این تحقیق در خصوص آینده حکمرانی فرهنگی در گرو گذار از الگوهای متمرکز و ابزارمحور به سمت حکمرانی هوش‌مند تطبیقی است که در آن از هم‌جواری و عاملیت هوش مصنوعی در قامت یک دستیار راهبردی برای مساعدت در تحلیل داده‌های کلان فرهنگی در جهت زمینه‌سازی دستیابی به سیاست‌ها و راهکارهای عملیاتی و پیش‌دستانه در عرصه حکمرانی فرهنگی استفاده می‌شود و در سایه‌سار آن، شهروندان از مصرف‌کنندگان منفعل به خالقان فعال محتوا ارتقا می‌یابند و از طریق سکوه‌های مبتنی بر هوش مصنوعی در خلق محتوا و تعالی هویت‌های فرهنگی مشارکت می‌کنند. بدیهی است در این مسیر، فرازها و دستورالعمل‌های اخلاق حرفه‌ای به عنوان زیربنا و ستون‌های حکمرانی فرهنگی، تضمین می‌کند که دستورالعمل‌های مذکور در خدمت ارزش‌های جمعی قرار گیرند و آینده‌های درخشان و متعالی را برای آحاد جامعه رقم بزنند.

1 Network Governance (Rhodes, 1997).

2 Critical Futures Studies (Inayatullah, 2008).

3 Artificial Intelligence Agency (Floridi, 2014).

## پیشینه پژوهش

با وجود نو بودن موضوع حکمرانی فرهنگی، مطالب نسبتاً قابل توجهی در این خصوص به رشته تحریر در آمده است، با این حال در مورد رابطه حکمرانی فرهنگی با هوش مصنوعی، پژوهش‌های چندانی به نمی‌خورد و بیشترین پژوهش‌ها حول محور چستی کلیات حکمرانی و محورهای پیرامونی آن، با در نظر گرفتن نظریه‌های مرتبط با مقوله حکمرانی است. پیش از ذکر تحقیقات انجام شده، ذکر این نکته لازم است که در اکثر مقالات و پژوهش‌های مطالعه شده که مبنای سنتز پژوهی<sup>۱</sup> این مقاله قرار گرفته، بحث حکمرانی با تأکید بر بهبود و ارتقاء سطح مدیریت جامعه مخاطب صورت گرفته است. بر این اساس سعی شده است که پژوهش‌هایی که بیشترین ارتباط را با مسئله اصلی و متغیرهای پژوهش حاضر دارند انتخاب شود. به امید آن‌که نتایج حاصل از این سندکاوی، ما را در رفع شبکه مسائل تحقیق یاری نماید. مهم‌ترین دستاورد از جستارها و مطالعه پژوهش‌های مرتبط با موضوع این مقاله به شرح زیر است:

الف) اسماعیلی (۱۴۰۳) در مقاله‌ای با عنوان «نقش فناوری‌های نوین در بازطراحی حکمرانی فرهنگی و ارتقای تاب‌آوری سازمان‌ها» معتقد است؛ جهانی شدن و تحولات سریع فناوری، ساختارهای سنتی حکمرانی فرهنگی را به چالش کشیده است. هدف این پژوهش «بررسی تأثیر فناوری‌های نوین بر حکمرانی فرهنگی و تاب‌آوری سازمان‌ها» بیان شده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهند که فناوری‌های نوین با دگرگون کردن شیوه تولید، توزیع و مصرف محصولات فرهنگی، ساختارهای سنتی حکمرانی را به چالش کشیده و بازیگران جدیدی را در عرصه فرهنگ وارد کرده است. این فناوری‌ها با ایجاد امکان تعاملات گسترده و متنوع، به شکل‌گیری جوامع مجازی و هویت‌های فرهنگی جدید کمک کرده است. در ارتباط با تاب‌آوری سازمان‌ها، فناوری‌های نوین هم می‌توانند به عنوان عاملی تقویت‌کننده و هم به عنوان عاملی تهدیدکننده عمل کنند. فناوری‌ها نیز با ارائه ابزارهای جدید برای تحلیل داده‌ها و اتخاذ تصمیمات، به سازمان‌ها کمک می‌کنند تا انعطاف‌پذیرتر شوند و از سوی دیگر وابستگی بیش از حد به فناوری می‌تواند سازمان‌ها را در برابر اختلالات آسیب‌پذیر کند. در خاتمه نیز پیشنهاد

1. Research synthesis.

شده است برای بهره‌برداری موثر از فناوری‌های نوین، سازمان‌ها باید به توسعه زیرساخت‌های رقومین، تقویت سواد رقومی، ترویج فرهنگ نوآوری و همکاری با بازیگران مختلف بپردازند.

ب) خواجوی (۱۴۰۳) در مقاله خود با عنوان «بررسی مبانی و ابزارهای حکمرانی فرهنگی و اجتماعی فضای مجازی، تحلیل چالش‌ها و فرصت‌های آن و راهکارهای عملی» بیان داشته است؛ حکمرانی فرهنگی و اجتماعی فضای مجازی یک مفهوم پیچیده و چندبعدی است که به مدیریت و تنظیم فعالیت‌های کاربران در بستر رقومین با هدف حفظ تعادل میان آزادی‌های فردی، حقوق اجتماعی و امنیت فرهنگی می‌پردازد. این مفهوم نیازمند همکاری میان دولت‌ها، شرکت‌های فناوری، نهادهای مدنی و حتی خود کاربران است. این مقاله به بررسی حکمرانی فرهنگی و اجتماعی فضای مجازی پرداخته است. هدف مقاله؛ تحلیل تأثیرات حکمرانی فرهنگی و اجتماعی بر تعاملات کاربران در فضای مجازی و شناسایی چالش‌ها و فرصت‌های موجود در این زمینه بوده است. اساس کار برپایه مطالعه موردی چندین پلتفرم اجتماعی و تحلیل داده‌های کیفی و کمی از کاربران این پلتفرم‌ها، کتب، مقالات و قوانین موضوعه بوده است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که حکمرانی موثر می‌تواند بهبود تعاملات کاربران، کاهش محتوای نامناسب و افزایش کارآمدی را به همراه داشته باشد. این مطالعه موفق شده است با ارایه راهکارهای عملی مبتنی بر شواهد، بهبود سیاست‌های حکمرانی فرهنگی و اجتماعی را پیشنهاد دهد که می‌تواند به عنوان مبنایی برای تحقیقات و سیاست‌گذاری‌های آینده مورد استفاده قرار گیرد.

ج) فیضی (۱۴۰۳) در پژوهشی با عنوان «شناسایی شاخص‌های حکمرانی فرهنگی با رویکردی بر اشاعه فرهنگ انقلاب» آورده است؛ فرهنگ یکی از ارکان کلان کشور است که توجه به آن می‌تواند روح جامعه را زنده نگه دارد. فرهنگ اسلامی ایرانی نیز اگر توجه قرار گیرد می‌تواند روح جامعه را پویا نگه دارد. از جمله ویژگی‌هایی که می‌توان با به فرهنگ توجه داشت، حکمرانی فرهنگی است. منظور از حکمرانی فرهنگی این است که، فرهنگ مورد برنامه‌ریزی و دقت قرار می‌گیرد و به آن

توجه می‌شود و در تمامی ارکان رشد جامعه نقش آن مشهود هست. لذا حکمرانی فرهنگی هم در بعد فضای حقیقی صدق می‌کند و هم در بعد فضای مجازی. از این رو، با توسعه و پیشرفت تکنولوژی باید حکمرانی فرهنگی مطلوبی برای جامعه تدوین شود. در این تحقیق از اسناد بالادستی و همچنین بیانات مقام معظم رهبری استفاده شده است. لذا در تدوین حکمرانی کشور می‌توان به مواردی از جمله حاکمیت الهی، امامت و ولایت، اخلاق، شریعت گرایی، عدالت، پایبندی به ارزش‌های اسلامی، تربیت دینی و غیره اشاره کرد.

د ذوالفقاری (۱۴۰۳) مقاله‌ای با عنوان «تأثیر فرهنگ حکمرانی بر حکمرانی فرهنگی؛ با محوریت ابلاغ مقام معظم رهبری به اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی در سال ۱۴۰۰» به نگارش درآورده است و بیان داشته: فرهنگ حکمرانی و حکمرانی فرهنگی دو مفهوم مرتبط اما متمایز هستند که بر یکدیگر تأثیر می‌گذارند. فرهنگ حکمرانی با تعیین اولویت‌ها و ارزش‌ها، رعایت یا عدم رعایت اصول شفافیت، پاسخگویی، مشارکت همگانی و نوآوری و اولویت قرار دادن فرهنگ‌سازی یا اقدامات الزام‌آور بر حکمرانی فرهنگی اثر گذاشته و مسیر آن را تعیین می‌نماید. در این نوشتار آمده است؛ براساس فرامین رهبری در شرایط کنونی و در آغاز دهه اول سده حاضر و در ابتدای مسیر گام دوم انقلاب، نگاهی نو، آسیب‌شناسانه و روزآمدساز، به مجموعه‌ای از زیرساخت‌های تمدنی ضروری است و در رأس این مجموعه، مقوله فرهنگ است و این نگاه نو، آسیب‌شناسانه و روزآمد به مقوله فرهنگ، منوط به ارتقای نگاه و احساس مسئولیت متصدیان فرهنگی و نخبگان و فعالان عرصه‌های گوناگون کشور بوده و نیازمند این باور عمیق است که فرهنگ‌سازی در هر یک از اجزای تمدنی جامعه، برترین وسیله پیشرفت و موفقیت آن و بی‌نیازکننده از ابزارهای الزام‌آور و تحکمی است و اگر این امر براساس نظم و محتوای انقلابی صورت پذیرد، جامعه مصون از هجوم فرهنگ بیگانه خواهد بود.

ه) رضایی آدریانی (۱۴۰۳) در مقاله‌ای با عنوان «بررسی مفهوم حکمرانی فرهنگی» بیان داشته است؛ حکمرانی شهری یکی از مباحث و رویکردهای نوین در حوزه برنامه‌ریزی و مدیریت شهرهاست که در پاسخ به ناکارآمدی شیوه‌های اداره جوامع انسانی در دهه‌های اخیر مطرح شده است. این رویکرد به دنبال حل مسائل و چالش‌ها با بهره‌گیری از مشارکت مردم و ظرفیت‌های انسانی موجود است. از

آنجا که فرهنگ و خاستگاه آن، مستقیماً با انسان و اعمال او مرتبط است، ظرافت عمل در این حوزه و برنامه‌ریزی آگاهانه و علمی، بسیار حیاتی و دارای اهمیت ویژه ای است. بدین ترتیب، یکی از رویکردهای جدید در مطالعات اجتماعی، حکمرانی فرهنگی است که به عنوان اصلاحاتی نو در مسائل فرهنگی به شمار می‌آید.

و) سیاهکار و همکاران (۱۴۰۳) در اثری پژوهشی با عنوان «حکمرانی فرهنگی و اجتماعی فضای مجازی» استفاده از فناوری و تکنولوژی را مهم‌ترین زمینه و مؤلفه پیشرفت دولت‌ها و جوامع دانسته‌اند و آمده است؛ کشورهای که دارای فناوری بالا و برنامه‌ریزی مناسب و فرهنگ‌سازی در زمینه فناوری هستند، از آن به عنوان عامل پیش‌روان در ابعاد و عرصه‌های گوناگون بهره می‌برند. از آنجا که هیچ دولتی انگیزه، توانایی و قدرت کنار گذاشتن و مبارزه با علم و پیشرفت را ندارد و توسعه پایدار و اهمیت حقوق ذی‌نفعان از شاخص‌های حکمرانی خوب است، تدوین راهکار برای کنترل و مهار مسائلی که هنوز تبدیل به مشکل نشده‌اند، آغازی نیکو برای این مسیر است. در این مقاله تلاش می‌شود به تأثیرات مثبت و منفی این فضا در پیشرفت و رکود کشورها و تغییرات اساسی ناشی از آن در هویت و فرهنگ اشاره شده و سپس نحوه حکمرانی فضای مجازی با استناد به مطالعات محققان پیشین و اسناد و مدارک موجود، مورد ارزیابی قرار گیرد و راهکار مطلوبی منطبق با مطالعات تحقیق و توسعه و مقایسه با کشورهای موفق در حکمرانی فضای مجازی ارائه گردد.

ز) نجاری و ساده‌نژاد (۱۴۰۲) در مقاله‌ای با عنوان «حکمرانی فرهنگی مفهوم جدیدی از حکمرانی» کوشش داشته‌اند به عرصه جدیدی از انواع حکمرانی، یعنی حکمرانی فرهنگی که سوابق اندکی در داخل کشور دارد، بپردازند و معتقدند حکمرانی فرهنگی، حکمرانی فرهنگ است. این شامل سیاست فرهنگی ساخته شده توسط دولت‌ها می‌شود، اما به نفوذ فرهنگی اعمال شده توسط بازیگران غیردولتی و سیاست‌هایی که به طور غیرمستقیم بر فرهنگ تأثیر می‌گذارند نیز گسترش می‌یابد. گرایش به بحث درباره حکمرانی فرهنگی به جای سیاست، با تغییر گسترده‌تر از دولت به حکومت، با تأکید بر تغییر سیاست‌گذاران دولتی به تأثیر سازمان‌های جامعه مدنی و بخش خصوصی مطابقت دارد. تفسیر گسترده‌ای از «حکومت» هم‌چنین می‌تواند شامل سیاست‌های دولت خارج از محدوده سیاست

فرهنگی باشد که با این وجود بر فرهنگ تأثیر می‌گذارد. برای اینکه بتوانیم حاکمیت یک شیء فرهنگی را درک کنیم، این موضوع نه تنها باید به تنهایی مورد توجه قرار گیرد، بلکه باید در پرتو هم‌پوشانی‌ها و تداخلات اغلب متناقض بین حوزه‌های مختلف حکومتی که به «ابژه فرهنگی» علاقه‌مند هستند، در نظر گرفته شود. چنین ملاحظاتی است که به مفهوم حکمرانی فرهنگی در معنای وسیع منجر می‌شود.

ح) نیلچی و همکاران (۱۴۰۳) در مقاله‌ای با عنوان «طراحی الگوی ارزش‌یابی حکمرانی فرهنگی در پرتو نهج‌البلاغه» اهداف پژوهش را این‌گونه بیان داشته‌اند؛ حکمرانی فرهنگی، بیان‌گر مجموعه‌ای از «احترام» و «اقدام»، با خردمیه‌ی فرهنگ است که حکومت باید داشته باشد. در نظام جمهوری اسلامی ایران، حکمرانی فرهنگی، بدون توجه به رفتار و منش حکمرانی علوی و آموزه‌ها و رهنمودهای نهج‌البلاغه که بزرگترین کتاب پس از قرآن است، نمی‌تواند محقق شود. نهج‌البلاغه؛ منشور ولایت، هدایت و سعادت بوده و شامل عمیق‌ترین لایه‌های فرهنگ و مدیریت فرهنگی است که راه کمال حکمرانی فرهنگی را رهنمون می‌سازد. به‌همین سبب، همه خظ‌مشی‌گذاران و نقش‌آفرینان در عرصه حکمرانی فرهنگی، باید تلاش کنند که این آموزه‌ها، در تمام مراحل خظ‌مشی‌گذاری فرهنگی کشور رعایت شود. یافته‌های این پژوهش می‌تواند به‌عنوان مبنای نگارش و ارزش‌یابی خظ‌مشی‌گذاری‌های جدید در حکمرانی فرهنگی، بازنگری در خظ‌مشی‌های مدوّن و تدوین اسناد راهبردی مورد استفاده قرارگیرد.

### نقاط اشتراک، افتراق و مغفول‌مانده در پیشینه‌ها:

الف) اشتراکات: مطالعات انجام‌شده در این زمینه و خصوصاً واکاوی پیشینه‌های فوق‌الذکر نشان می‌دهد که محورهای زیر، از مباحث مشترکی است که در مقالات و پژوهش‌های مطالعه‌شده، به‌دست آمده است:

۱. اهمیت حکمرانی فرهنگی به عنوان ابزاری کلیدی در مدیریت و هدایت فرهنگ جامعه: تمام مقالاتی که مرور شده است بر نقش محوری حکمرانی فرهنگی در تنظیم سیاست‌ها، حفظ هویت فرهنگی و پاسخ‌گویی به تحولات فن‌آورانه تأکید دارند. این مفهوم هم در فضای حقیقی و هم

آینده پژوهی تحول در حکمرانی فرهنگی با عاملیت هوش مصنوعی

مجازی و با در نظر گرفتن ارزش‌های دینی و ملی مورد توجه قرار گرفته است.

۲. تأثیر فناوری‌های نوین و فضای مجازی بر چالش‌ها و فرصت‌های حکمرانی فرهنگی: اکثر متون به نقش دوگانه فناوری در تقویت تاب‌آوری سازمانی، ایجاد جوامع مجازی و همچنین تهدیدهایی مانند شکاف رقومین، انتشار اطلاعات نادرست و آسیب‌پذیری فرهنگی اشاره می‌کنند. که بدیهی است این فن‌آوری‌ها نیازمند تنظیم‌گری هوش‌مند<sup>۱</sup> و توسعه زیرساخت‌ها<sup>۲</sup> هستند.

۳. ضرورت مشارکت چندذی‌نفعی در حکمرانی فرهنگی: تعدادی از آثار بر همکاری دولت، نهادهای مدنی، بخش خصوصی و شهروندان در طراحی سیاست‌های فرهنگی تأکید دارند. این مشارکت برای کاهش وابستگی به ابزارهای تحکمی و افزایش پذیرش داوطلبانه ارزش‌ها از طریق آموزش و آگاهی‌بخشی ضروری دانسته شده است.

۴. توجه به چالش‌های اخلاقی و هویتی در حکمرانی فرهنگی: نیمی از مقالات؛ چالش‌هایی مانند حفظ هویت فرهنگی در برابر هجوم فرهنگ بیگانه، رعایت حریم خصوصی، عدالت رقومین و تعادل میان آزادی‌های فردی و امنیت فرهنگی را برجسته کرده و لزوم تدوین سیاست‌های اخلاق‌مدار و مبتنی بر ارزش‌های دینی را مطرح کرده‌اند.

۵. نیاز به بازتعریف و نوآوری در شیوه‌های حکمرانی فرهنگی: در بیشتر مقالات بر ضرورت بازطراحی ساختارهای سنتی حکمرانی، استفاده از روش‌های غیرمتمرکز و انطباق خط‌مشی‌گذاری‌های جدید را بر آموزه‌های دینی مانند آنچه در نهج‌البلاغه مطرح است، تأکید کرده‌اند.

(ب) تمایزها: خط‌مشی پژوهش‌های مذکور به شرح زیر در پرداختن به موضوع، متفاوت است:

1. Smart Regulation.
2. Infrastructure Development.

۱. تفاوت در تمرکز بر ارزش‌ها و مبانی: برخی از مقالات مانند آثار فیضی، ذوالفقاری و نیلچی، بر حکمرانی فرهنگی مبتنی بر آموزه‌های دینی، نهج‌البلاغه و بیانات رهبر معظم انقلاب تأکید دارند و آن را به‌عنوان قواعد اساسی حکمرانی می‌دانند. در مقابل، مقالاتی به حکمرانی فرهنگی در بستر فناوری و فضای مجازی با نگاهی صرفاً فن‌آورانه و جهانی پرداخته‌اند و بهره‌چندانی از مبانی دینی ندارند.

۲. نگاه متفاوت به نقش دولت در حکمرانی فرهنگی: تعدادی از مقالات، دولت و نهادهای حاکمیتی را به‌عنوان بازیگران اصلی حکمرانی فرهنگی معرفی می‌کنند و بر نقش هدایت‌گرانه و برنامه‌ریزی متمرکز تأکید دارند. در مقابل، مقالاتی با تأکید بر حکمرانی چندذی‌نفعی، نقش دولت را کاهش داده و بر مشارکت بازیگران غیردولتی در فرایندهای فرهنگی تأکید دارند.

۳. تفاوت در نگاه به فناوری: بعضی فناوری‌های نوین را هم‌زمان به‌عنوان فرصت و تهدید تحلیل کرده و بر لزوم تنظیم‌گری هوش‌مند برای بهره‌برداری از مزایای آن تأکید دارند. بعضی از هم‌منظری دیگر، فناوری و به‌ویژه فضای مجازی را در مواردی، تهدیدی برای هویت فرهنگی دانسته و بر ضرورت مقابله هوش‌مندانه با تهاجم و نفوذ فرهنگ بیگانه از طریق حکمرانی فرهنگی تأکید می‌کنند.

۴. تفاوت در روش‌شناسی و منابع استنادی: برخی مقالات به‌شدت بر متون و ارزش‌های دینی تکیه داشته و روش‌شناسی آنها مبتنی بر تحلیل کیفی متون و منابع مذکور است. در مقابل، پژوهش‌هایی از داده‌های کمی، مطالعات موردی سکوه‌های رقومین<sup>۱</sup> و تجربیات بین‌المللی به‌عنوان پایه تحلیل‌های خود استفاده کرده و رویکردی تجربی‌تر دارند.

۵. اولویت‌بندی متمایز اهداف حکمرانی فرهنگی: در بعضی از مقالات، حفظ هویت فرهنگی و مقابله با تهاجم فرهنگی را به‌عنوان هدف اصلی حکمرانی فرهنگی معرفی کرده و بیشتر بر جنبه‌های فرهنگی تمرکز دارند. در مقابل بعضی از آثار، ارتقای مشارکت شهروندی، انعطاف‌پذیری سازمانی و توسعه

1. Digital Platforms.

آینده پژوهی تحول در حکمرانی فرهنگی با عاملیت هوش مصنوعی

پایدار را در اولویت قرار داده‌اند و نگاهی کارکردگرایانه به حکمرانی فرهنگی دارند.

این تمایزها نشان‌دهنده تنوع در دیدگاه‌ها، روش‌ها و اولویت‌های پژوهشی است که هر یک از آثار و متون براساس چهارچوب فکری یا اهداف موردنظرشان دنبال کرده‌اند.

ج) ناگفته‌ها: موارد و محورهای زیر نیز فراموش شده و مورد غفلت واقع شده‌اند:

۱. عاملیت فعال و پیش‌بینانه هوش مصنوعی در شکل‌دهی به سیاست‌های فرهنگی: پیشینه‌های موجود عمدتاً به تأثیر فناوری بر حکمرانی فرهنگی به عنوان یک ابزار منفعل همچون تحلیل داده یا بهبود تعاملات، پرداخته‌اند، اما از نقش هوش مصنوعی به عنوان عامل فعال و تصمیم‌ساز در طراحی فرآیندهای آینده‌پژوهانه، پیش‌بینی تحولات و جریانات فرهنگی آتی و حتی خلق محتوای فرهنگی مبتنی بر دستورات عمل‌ها، غفلت کرده‌اند. که بر این اساس در این‌جا این سؤال می‌تواند مطرح باشد که آیا هوش مصنوعی می‌تواند با تحلیل کلان‌داده‌های فرهنگی، به عنوان یک «حکمران خودمحور» برای تنظیم هنجارهای فرهنگی و اجتماعی، ایده‌هایی عملیاتی داشته باشد؟!

۲. هوش مصنوعی و تضاد ارزشی در حکمرانی فرهنگی: اگرچه برخی مقالات به چالش‌های ارزشی و اخلاقی مطرح در عرصه فن‌آوری مانند حریم خصوصی اشاره کرده‌اند، اما در هنگامه تعارض ذاتی بین ارزش‌های دینی و فرهنگی انسان‌محور مانند هویت دینی یا اخلاق جمعی و دستورات عمل‌های خنثی<sup>۱</sup> و بی‌طرفی<sup>۲</sup> هوش مصنوعی، بعضاً چالش‌های مذکور نادیده گرفته شده است. که بر این اساس، می‌توان نوآوری در این عرصه را این‌گونه بیان داشت که چگونه نظامات هوش مصنوعی می‌توانند در مواجهه با تنوع

1 Algorithms.

2. Neutral Algorithms.

3. Unbiased Algorithms.

فرهنگی مثلاً مواجهه ارزش‌های محلی و جهانی، بی‌طرفی خود را حفظ کرده یا به سمت ارزش‌های خاص جهت‌گیری شوند!

۳. تحول در مفهوم عاملیت انسانی و نقش کاربران: در پیشینه‌ها، نقش کاربران عمدتاً به عنوان مصرف‌کننده یا مشارکت‌کننده منفعل در حکمرانی فرهنگی ترسیم شده است. اما با ورود هوش مصنوعی به عنوان یک موضوع یا فاعل شناسا، این پرسش مطرح می‌شود که آیا شهروندان از «مشارکت‌کننده» به «موضوع آموزش دستورات عمل‌ها» تبدیل خواهند شد؟ این‌گونه است که می‌توان به شکلی نوآورانه و آینده‌پژوهانه به بررسی تغییر رابطه انسان و ماشین در تولید و مصرف مضامین، مقوله‌ها و مفاهیم فرهنگی، از جمله تأثیر فیلترهای دستورات عملی<sup>۲</sup> بر هویت‌سازی فرهنگی پرداخت.

۴. فرآیندهای آینده‌پژوهانه حکمرانی فرهنگی با عاملیت هوش مصنوعی: پیشینه‌های موجود بیشتر به مسائل کنونی همچون فضای مجازی یا حکمرانی مبتنی بر فضای مجازی و هوش مصنوعی پرداخته‌اند، اما تحلیل نظام‌مند و آینده‌پژوهانه فرآیندهای بلندمدت درباره حکمرانی فرهنگی با عاملیت هوش مصنوعی مغفول مانده است. بر این اساس است که می‌توان با استفاده از روش‌هایی مانند تحلیل روندهای نوظهور همچون متاورس، تولیدات هنری توسط هوش مصنوعی یا مبادرت به فرآیندهای چندلایه در قالب گونه‌های خوش‌بینانه، بدبینانه، یا واقع‌بینانه، تحولات و آینده‌های محتمل موردانتظار در عرصه حکمرانی فرهنگی را ترسیم کرد.

۵. حکمرانی فرهنگی به مثابه یک نظام‌واره خودسازمان‌ده با عاملیت هوش مصنوعی: مقالات پیشین عمدتاً حکمرانی فرهنگی را به عنوان یک فرایند متمرکز یا چندذی‌نفعی تصویر کرده‌اند، اما از امکان ظهور ساختارهای غیرمتمرکز و خودسازمان‌ده همچون حکمرانی مبتنی بر قراردادهای هوش‌مند یا ساختارهای خودگردان غیرمتمرکز<sup>۳</sup> غافل بوده‌اند.

1. Subject.
2. Algorithmic Filters.
3. Decentralized Autonomous Organization.

آینده پژوهی تحول در حکمرانی فرهنگی با عاملیت هوش مصنوعی

با توجه به این می‌توان این ایده را بررسی کرد که آیا هوش مصنوعی می‌تواند با حذف واسطه‌های انسانی، حکمرانی فرهنگی را به سمت نظام‌واره‌های پویا و تطبیقی سوق دهد که بدون کنترل مرکزی، به طور پویا با تحولات فرهنگی هماهنگ شود؟!

به عنوان جمع‌بندی محورهای فوق به نظر می‌رسد که از یک سو ارتباط قابل‌اعتنایی بین مقوله حکمرانی و آینده‌پژوهی تحولات در آن و عاملیت هوش مصنوعی وجود دارد و از سوی دیگر می‌تواند بر خلاءهای مفهومی پیشینه‌ها مانند نظر به کاربری سایر عاملیت‌های غیربشری، نظام‌واره‌های خودسازمان‌ده و اخلاق حرفه‌ای<sup>۲</sup> تأکید شود و نوآوری در این مبحث می‌تواند به ترکیب این محورها با مطالعه موردی سکوه‌های هوش مصنوعی رایج و دسترس عموم مبتنی بر هوش مصنوعی در تولید محتوای موردنظر معطوف شود. همچنین به شکل پیش‌دستانه می‌توان موضوعاتی مغفول مانده یا کمتر پرداخته شده‌ای را در قالب محورهای دارای اولویت زیر، برای محققان آتی و علاقه‌مند به این عرصه، پیشنهاد داد:

- ❖ عاملیت هوش مصنوعی در تطبیق سیاست‌های حکمرانی فرهنگی با تحولات و بحران‌های فرهنگی پویا.
- ❖ هوش مصنوعی به مثابه مترجم و تفسیرکننده ارزش‌های فرهنگی متضاد از طریق شناسایی ارتباط‌های میان‌فرهنگی مبتنی بر درک دستورالعملی<sup>۳</sup> از تفاوت‌ها.
- ❖ تأثیر هوش مصنوعی بر تحول و بازتعریف تولیدات صنایع فرهنگی<sup>۴</sup> در مسیر تعالی حکمرانی فرهنگی.
- ❖ ارائه الگوی عاملیت هوش مصنوعی در احیا و شبیه‌سازی خرده‌فرهنگ‌های در معرض زوال.

1. Dynamic.
2. Professional Ethics.
3. Algorithmic Understanding.
4. Cultural Industries.

❖ حکمرانی فرهنگی مبتنی بر توجه به داده‌های احساسی و عاطفی جامعه مخاطب به‌عنوان داده‌های مکمل و تسهیل‌کننده در تنظیم سیاست‌های فرهنگی پاسخ‌گو از طریق محتوای فرهنگی شخصی‌سازی‌شده.

انتظار می‌رود جامعه‌عمل پوشیدن محققانه و مبادرت‌مجدانه به محورهای فوق، علاوه بر پرکردن خلاءهای نظری موجود در پیشینه‌ها، ما را به سمت ترسیم آینده‌ای انضمامی از حکمرانی فرهنگی سوق دهد که در آن هوش مصنوعی فراتر از وجه عمومی و بسیط ابزاری، به عنوان یک دستیار راهبردی ملی در مسیر تحولات آتی و درون‌زا در حکمرانی فرهنگی، عاملیتی مؤثر و قابل‌اعتنا و اِتکا داشته باشد.

### چهارچوب نظری

در این بخش به مفاهیم و نظریه‌هایی که در این تحقیق از آنها استفاده شده است اشاره می‌شود. نظریه‌های مرتبط با این تحقیق از دوحوزه نظریه‌های یادگیری و رسانه‌ای است که در مسیر تحقیق مورد توجه نگارنده بوده است:

### الف) حکمرانی

حکمرانی به روابط بین دولت و جامعه مدنی، حکومت‌کنندگان و حکومت‌شوندگان مربوط می‌شود (حسینی‌تاش، ۱۳۹۳: ۱۱) و با یک نگاه دقیق می‌توان حکمرانی را فرایند قاعده‌گذاری، اجرای قواعد، بررسی، نظارت و کاربست بازخوردهای آن با اعمال قدرت مشروع و به‌منظور دستیابی به هدف مشترکی برای همه کنش‌گران و ذی‌نفعان در چهارچوب ارزش‌ها و هنجارها در محیط یک جامعه بدانیم. البته گاهی هم مفهوم حکومت با حکمرانی یکی در نظر گرفته می‌شود، در حالی که مفهوم حکومت، مجموعه‌ای از نهادهای سیاسی، اداری، دستگاه‌های قانون‌گذاری و اجرایی و قضایی و نظامی است، در حالی که مفهوم حکمرانی به جریان‌ات و فرایندهای تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی، چگونگی اعمال قدرت و به تعاملات دولت با آحاد جامعه اشاره دارد. «گاهی نیز مفهوم حکومت با مفهوم حکمرانی خلط می‌شود. درواقع، اولی به مشکلات و دشواری‌های پیش روی دولت در اداره مؤثر امور مربوط به اجتماع مربوط می‌شود و دومی به شیوه صحیح مواجه‌شدن با این مشکلات

1. Affective Data.

و دشواری‌ها اشاره دارد» (بدیعی و همکاران، ۱۳۹۸: ۱۸۲). در زبان فارسی، حکمرانی معادل واژه‌های حکومت، حکمروایی، فرمانروایی، حکومت‌گری، مملکت‌داری، مدیریت اجتماعی و نهایتاً تدبیر امور آمده و یا ترجمه شده است. از دیدگاه مادی، «حکمرانی ترکیبی از سنت‌ها، قواعد، آداب و رسوم، نهادها و فرایندهایی که تعیین می‌کند چگونه قدرت باید اعمال شود، چگونه شهروندان حق مشارکت و بیان داشته باشند و چگونه تصمیمات در زمینه مباحث عمومی اتخاذ می‌شود» (گراهام<sup>۱</sup>، ۲۰۰۳). بانک جهانی و برنامه توسعه سازمان ملل متحد نیز حکمرانی را «سیستم پیچیده‌ای از تعاملات بین ساختارها، سنت‌ها، کارکردها و مسئولیت‌ها و فرایندها و عملکردهایی که به وسیله سه ارزش اساسی یعنی پاسخ‌گویی، شفافیت و مشارکت مشخص می‌شود» (بانک جهانی، ۱۹۹۹) تعریف کرده است. فوکو نیز معتقد بود «حکومت‌داری<sup>۲</sup>، ظهور شکلی جدید و خاص از تفکر درباره قدرت و به کارگیری آن در برخی جوامع خاص است» (فوکو<sup>۳</sup>، ۱۹۷۸). در عین حال، حکمرانی که پیامد ذاتی حاکمیت است، موضوعی است که بر نحوه تعامل دولت‌ها و سایر نهادهای اجتماعی با یکدیگر، نحوه ارتباط شهروندان و نحوه اتخاذ تصمیمات در جهان تأثیر می‌گذارد. حکمرانی فرایندی است که از طریق آن جوامع و سازمان‌ها تصمیمات خود را اتخاذ کرده و به واسطه آن مشخص می‌کنند که چه کسانی در این فرایند درگیر هستند و چگونه وظیفه خود را به انجام می‌رسانند. در واقع، حکمرانی به سنت‌ها، نهادها، فرایندها و چگونگی تصمیم‌گیری‌ها و اجرای تصمیمات می‌پردازد. بر این اساس؛ سطح فعالیت در حکمرانی، سطح کلان و فراسازمانی است و تعیین چشم‌انداز، ارزش‌های پایه‌ای نظام، اتخاذ تصمیمات و مصالح کلی نظام و ایجاد سازوکارهای نظارتی را شامل می‌شود.

### ب) جهش‌ها در عرصه حکمرانی

امکان حضور کاربران در فضای مجازی و در طول سده‌ده گذشته به شکل فزاینده‌ای گسترش یافته است. نهادهای بین‌المللی مرتبط با حوزه فناوری، هر ساله در گزارش‌های تحلیلی خود، جایگاه کشورها را در این عرصه بررسی و طبقه‌بندی

1. Graham, John et al.
2. Governmentality.
3. Michel Foucault.

می‌کنند. گسترش شبکه‌های اجتماعی به‌عنوان نمادی از پیشرفت ارتباطات مجازی، ساختارهای رایج و سنتی جوامع را دست‌خوش تحولات اساسی کرده و مفاهیم ریشه‌دار تعاملات انسانی را دگرگون ساخته است. ویژگی‌های بی‌همتای فضای مجازی از جمله ظرفیت ذخیره‌سازی حجم عظیمی از اطلاعات، سرعت انتقال بی‌سابقه محتوا، تعاملات پیچیده چندبُعدی و فراتر رفتن از مرزهای جغرافیایی، نه تنها روابط اجتماعی را بازتعریف کرده، بلکه شکافی معنادار در نظریه‌های کلاسیک جامعه‌شناسی ایجاد نموده است. این تحولات کم‌نظیر را می‌توان تحت عنوان «پرش‌های اجتماعی»<sup>۱</sup> تحلیل کرد؛ جهش‌هایی که آبر انگاره‌های<sup>۲</sup> گذشته را به چالش می‌کشند. اکنون سال‌ها است به نظر می‌رسد که این انگاره‌ها و الگوهای اصلی کلاسیک با گسترش ارتباطات جهان‌شمول دچار تحول بنیادین شده است. در واقع ظهور فن‌آوری‌های نوین و مخصوصاً شبکه‌ها و رسانه‌های مجازی، موجب تغییر و غلبه انگاره‌های جدیدی شده است. این تغییرات اساسی در جهانی که از به عصر ارتباطات موسوم است، کارکرد و اهمیت رسانه‌ها را عیان ساخته است یا به‌تعبیر گویاتر برجسته<sup>۳</sup> ساخته است. بسیاری از کنش‌های جمعی در دهه‌های اخیر که عمدتاً دغدغه‌های مدنی آنها پررنگ است، بر بال رسانه‌های جدید اجتماعی به حرکت در آمده و گسترش یافته‌اند. بنابراین الگوها و انگاره‌های جدید باید بتوانند، چگونگی وقوع جهش اطلاعات و تغییر روابط و مناسبات انسان‌ها را توضیح دهند. این الگوها و انگاره‌ها همچنین لازم است نقش فعال و جایگاه شبکه‌های اجتماعی مجازی را که در سال‌های اخیر بیش از سایر رسانه‌های متأخر مشخص شده و اکنون گفتمان غالب را در فضای مجازی به نحوی پیچیده و شبکه‌ای دچار دگرگونی کرده است، تشریح کند. انگاره‌های جدید نقاط قوت ساختارهای جدید را نیز در بستر منابع جدید تولید قدرت بررسی می‌کند، منابعی که ریشه در ذخیره‌های فرهنگی، اجتماعی و یا حتی اقتصادی دارند و بی‌تردید در عصر ارتباطات، بازیگران دولتی یا خصوصی، با تکیه بر داده‌ها و تبدیل کردن آن به نقاط قوت می‌توانند به‌عنوان یک گروه اجتماعی مجازی معرفی شوند.

1. Social Mutation.
2. Paradigm.
3. Exaggerated.

وضعیت جامعه شبکه‌ای به تعبیر کاستلز در کتاب عصر اطلاعات؛ ظهور جامعه شبکه‌ای (کاستلز، ۱۳۹۱) و قدرت ارتباطات (کاستلز، ۱۳۹۳) که در پرتو تحول و طوفان اطلاعات به وجود آمده است، سبب درهم تنیدگی و درهم آمیختگی زندگی جمعی و گذار از وضعیت سنتی به وضعیت شبکه‌ای شده است. شاید مهمترین بخش وضعیت تغییر یافته، مربوط به حکمرانی شود. تحولات فرهنگی دنیای جدید خصوصا در یک دهه گذشته فضای شبکه‌ای را در شکل دادن به کنش و رفتار جدید به عنوان یک عنصر بی‌بدیل معرفی کرده است. حکمرانی با این الگوها، تغییراتی را تجربه می‌کند و به‌طور کلی حکمرانی شبکه‌ای از نتایج و پیامدهای ملموس جامعه شبکه‌ای و زندگی شبکه‌ای است. علاوه بر این فراتر از ارتباطات فراگیر جهانی، شبکه‌ای شدن امورات مختلف زندگی، حکمرانی و کنش‌های فرهنگی را متأثر ساخته است.

در حالی که تحولات فن‌آورانه و ظهور جامعه شبکه‌ای، بنیان‌های حکمرانی‌های رایج را با چالش‌های بی‌سابقه‌ای مواجه ساخته است، این پرسش اساسی مطرح می‌شود که چگونه می‌توان در هیاهوی دگرگونی‌های رقم‌بین، ثبات ارزشی و اخلاقی مشروعیت نظام حکمرانی درون‌زا را حفظ کرد؟ پاسخ این پرسش را باید در تلفیق هوش‌مندانه الگوهای نوین فن‌آورانه با اصول اصیل و جاودانه حکمرانی دین‌مدار جستجو کرد. چنین حکمرانی با تکیه بر مبانی توحیدی و انسان‌شناختی خاص خود، نه تنها با ماهیت پویای جامعه شبکه‌ای در تضاد نیست، بلکه با ارائه اصولی کلیدی مانند «مشارکت عمومی»، «شفافیت»، «مسئولیت‌پذیری متقابل حکومت و مردم» و «دین‌مداری»، می‌تواند به عنوان چهارچوبی راهبردی برای هدایت تحولات فن‌آورانه در مسیر تعالی فرهنگی جامعه مخاطب عمل کند. این اصول که ریشه در آموزه‌های دینی و سیره معصومین علیهم السلام دارد، در عصر رقم‌بین به مثابه سپرهای اخلاقی عمل می‌کنند که هم‌زمان از پیشرفت فن‌آورانه حمایت کرده و از فروکاستن فرهنگ به کالایی مصرفی جلوگیری می‌نمایند. در همین راستا و به عنوان یک جمع‌بندی قابل اعتنا در مباحث بخش مفهوم‌شناسی حکمرانی، اشاره می‌کنیم به اصول حاکم بر روابط حاکمیت و مردم در حکمرانی اسلامی (رضایی، ۱۳۹۸) که عبارت‌اند از:

- ❖ اصل حاکمیت رابطه رحمانی و خیرخواهی و مهرورزی حکومت نسبت به مردم؛
- ❖ اصل رعایت منافع عمومی؛
- ❖ اصل رعایت افکار و رضایت عمومی؛
- ❖ اصل مشارکت عمومی؛
- ❖ اصل اصلاح و نظارت همگانی؛ امر به معروف و نهی از منکر؛
- ❖ اصل وفاداری و رابطه مسئولانه مردم نسبت به حکومت؛
- ❖ اصل شفافیت، اطلاع‌رسانی و پاسخ‌گویی.

### ج) الگوهای حکمرانی

ما با الگوهای متعددی در دنیا پیرامون حکمرانی که ملهم از رویکردهای معنوی و اعتقادی و یا صرفاً مادی است، مواجه هستیم. به عنوان مثال می‌توانیم در این رابطه، الگوهایی با خاستگاه تثبیت دنیا مادی را مرور کنیم؛ مانند الگوی حکمرانی در شوروی سابق با مبنای نظری مارکسیسم-لنینیسم و استفاده از فرهنگ و هنر سوسیالیستی به عنوان ابزار ترویج ایده‌های حزبی، به همراه حذف نمادهای مذهبی و جایگزینی آنها با اسطوره‌های سکولار مانند قهرمانان کارگری (سیاست‌های فرهنگی اتحاد جماهیر شوروی در دهه‌های ۱۹۲۰ تا ۱۹۸۰). یا الگوی سرمایه‌داری مصرف‌گرا در آمریکا با مبنای نظری لیبرالیسم اقتصادی و با محوریت بازار آزاد و صنعت خلاق که تبدیل ایده به کالا از طریق صنایع رسانه‌ای هالیوود و شبکه‌های تلویزیونی را دنبال می‌کرد و اساس آن بر پایه ترویج فردگرایی و مصرف‌گرایی به عنوان ارزش‌های مسلط بود که از نظریه «صنعت فرهنگ» آدورنو<sup>۱</sup> و هورکهایمر<sup>۲</sup> الهام گرفته بود. الگوی توسعه‌گرایی اقتدارگرا در چین کنونی نیز از این‌دست الگوها به شمار می‌رود که مبنای نظری آن؛ ترکیبی از سرمایه‌داری دولتی و کنترل نظری است و از ویژگی‌های آن به استفاده از فناوری‌های رقمین برای نظارت و مهندسی افکار عمومی مانند نظام اعتبار اجتماعی و تقویت ناسیونالیسم برای تثبیت حزبی

1. Theodor W. Adorno.  
2. Max Horkheimer.

می‌توان اشاره کرد (سیاست‌های فرهنگی چین در دوران شی‌جین‌پینگ). یا الگوی پوزیتیویستی فرانسوی در دوره مدرنیسم با مبنای نظری عقل‌گرایی دکارتی در این تقسیم‌بندی قرار می‌گیرد که از ویژگی‌های بارز آن؛ ترویج سکولاریسم در نظام آموزشی و رسانه‌ها و تبدیل موزه‌ها و گالری‌ها به نمادهای هویت ملی غیرمذهبی است (سیاست‌های فرهنگی جمهوری سوم فرانسه ۱۸۷۰-۱۹۴۰). این دسته الگوهای مادی‌گرا عموماً با کاهش تنوع فرهنگی، ابزاری‌کردن هنر و تضعیف هویت‌های محلی همراه بوده‌اند. برای نمونه، در الگوی کمونیستی، خلاقیت فردی قربانی ایده جمع‌گرا شد و در الگوی نئولیبرالی، فرهنگ به کالایی مصرفی تبدیل گردید.

اما اگر بخواهیم از الگوهای بومی درون‌زا و با رویکرد دینی و هنجارهای بایسته در نظام جمهوری اسلامی ایران نام ببریم؛ می‌توانیم یاد کنیم از «الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت»، یا «الگوی سیاست‌گذاری فرهنگی مبتنی بر نظریه اعتباریات علامه طباطبایی ره» و یا «الگوی نظام جمهوری اسلامی مبتنی بر حاکمیت الهی و نظریه ولایت فقیه» که در قانون اساسی ایران از آن یاد شده است. حتی به ساختار نهادی مانند «شورای عالی انقلاب فرهنگی» نیز می‌توان به عنوان نمونه‌ای از مجموعه الگوهای عملی حکمرانی، در قامت یک نهاد و قرارگاه فرهنگی و سیاست‌گذار اشاره کرد.

در این میان؛ «حکومت نبوی» برای جهانیان الگوی حکمرانی و نظام‌سازی اسلامی است. الگویی متعالی و دین‌مدار که از جانب رسول و بنده برگزیده خداوند متعال به ما رسیده است و جز فرجامی شفاف‌بخش برای رهروان آن متصور نیست. این مسیر در منظومه‌ای از بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی، این چنین تبیین شده است: «با آمدن پیغمبر یک نظام سیاسی به وجود می‌آید... در این نظام سیاسی، آئین حکمرانی از کتاب خدا گرفته می‌شود و از آنچه خدای متعال بر پیغمبر نازل می‌کند که می‌فرماید: *فَبَعَثَ اللَّهُ النَّبِيِّنَ مُبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ وَ أَنْزَلَ مَعَهُمُ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ لِيَحْكُمَ بَيْنَ النَّاسِ فِي مَا اخْتَلَفُوا فِيهِ*؛ «لِيَحْكُمَ» یعنی «لِيَحْكُمَ»؛ این کتاب حکم کند بین مردم در آنچه باید انجام بدهند و حاکم او است در همه تنظیم‌های اجتماعی. این در سوره بقره است. در سوره مائده [می‌فرماید]: *وَلِيَحْكُمَ أَهْلَ الْإِنجِيلِ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ فِيهِ*؛ انجیل حاکم است؛ یعنی دستور حکمرانی از انجیل گرفته می‌شود برای اهل انجیل؛ و هم‌چنین در [مورد] پیغمبران دیگر

که در آیات «وَمَنْ لَّمْ يَحْكَمْ بِمَا أَنزَلَ اللَّهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الْكَافِرُونَ» و «أُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ» و «أُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ» هست، در همه این‌ها آن چیزی که منبع و منشأ «حکمرانی» است و دستور حکمرانی و برنامه‌های حکمرانی از آن گرفته می‌شود، عبارت است از «کتاب الهی» که به پیغمبر نازل شده است؛ این اصول و اساس در آن [کتاب] است؛ و همه برنامه‌های بشری در چهارچوب این اصول بایستی گذاشته بشود» (۱۳۹۹/۱۲/۲۱). «نکته مهم اینکه پیامبر (ص) با تشکیل حکومت اسلامی، به همه نشان داد که اسلام توانایی مدیریت زندگی انسان را دارد. زیرا پیامبر «ده سال بیشتر هم حکومت نکرد؛ اما پی‌ریزی یک بنائی را کرد که در طول قرن‌های متمادی، قله بشریت در علم، در تمدن، در پیشرفت معنوی، در پیشرفت اخلاقی، در ثروت، همین جامعه بود» (۱۳۹۰/۱۱/۲۱). و «از جمله شگفتی‌های زندگی آن حضرت این است که در طول این ده سال، یک لحظه را هدر نداد... فقط ده سال کار حکومتی و سیاسی و جمعی کرده بود. چه عمر بابرکتی» (۱۳۸۰/۱۱/۲۸). «پیامبر مکرّم اسلام] ده سال حکومت کرد؛ اما اگر بخواهیم عملی را که در این ده سال انجام گرفته، به یک مجموعه پُرکار بدهیم تا آن را انجام دهند، در طی صد سال هم نمی‌توانند آن همه کار و تلاش و خدمت را انجام دهند. اگر ما کارهای امروزمان را با آنچه که پیغمبر انجام داد، مقایسه کنیم، آنگاه می‌فهمیم که پیغمبر چه کرده است. اداره آن حکومت و ایجاد آن جامعه و ایجاد آن الگو، یکی از معجزات پیغمبر است» (۱۳۸۰/۲/۲۸). بنابراین حکومت پیامبر اکرم(ص) یک الگوی کامل است. در حقیقت «پیغمبر وارد مدینه شد تا این نظام [اسلامی] را سر پا و کامل کند و آن را برای ابد در تاریخ، به عنوان نمونه بگذارد تا هر کسی در هر جای تاریخ - از بعد از زمان خودش تا قیامت - توانست، مثل آن را به وجود آورد و در دل‌ها شوق ایجاد کند تا انسان‌ها به سوی چنان جامعه‌ای بروند» (۱۳۸۰/۲/۲۸). لذا در دوران معاصر که خداوند نعمت حکومت اسلامی را به ما عنایت کرده، ضرورت دارد هرچه بیشتر خود را با این الگو منطبق کنیم. طبق این بیان: «حکومت اسلامی، یعنی کارگزارانش برای اسلام و خدا کار می‌کنند، نه برای خود» (۱۳۶۹/۹/۱۴). به تعبیر دیگر: «حکومت اسلامی و نظام جمهوری اسلامی، آن وقتی سربلند است که بتواند حدود الهی را حفظ کند» (۱۳۶۹/۱۰/۱۰). نکته مهم‌تر اینکه «مطالبه اسلام از مسلمین، ایجاد نظام اسلامی به‌نحو کامل است؛ مطالبه

اسلام، تحقق کامل دین اسلام است... دین حدّ اقلّی و اکتفای به حدّ اقلها، از نظر اسلام قابل قبول نیست» (۱۳۹۳/۱۲/۲۱). همان طور که پیامبر این گونه بود؛ «اول عامل به همه احکام اسلام، خود شخص نبی مکرم اسلام بود... یعنی چیزی نبود که به او امر کند، خود او از آن غافل بماند» (۱۳۸۸/۴/۲۹). خلاصه اینکه همه مسئولان و کارگزاران باور داشته باشند که «نجات این کشور و رسیدن آن به نقطه‌ای که شایسته این ملت است، فقط در سایه اسلام، جمهوری اسلامی و نظام اسلامی امکان پذیر است» (۱۳۸۱/۳/۱۴).

## د) حکمرانی فرهنگی

حکمرانی فرهنگی به‌عنوان یک الگو و منظومه قابل توجه در نظریه‌های فرهنگی و اجتماعی، به بررسی و تحلیل ساختارهای فرهنگی و نحوه‌ی مدیریت و راهبری آنها در جامعه می‌پردازد. این الگو در مجامع دارای تنوع فرهنگی و نیازمند هماهنگی افزون میان رفتارها و باورهای مختلف و به‌ویژه در جوامع اسلامی از اهمیت مضاعفی برخوردار است، چه اینکه اهداف حکمرانی در یک جامعه مبتنی بر قواعد اسلامی در مولفه روابط حکومت و مردم، حداکثرسازی مشارکت مردم و استفاده از نظرات و آرا و مشاوره‌های مردم، نهادهای مردمی و نخبگان در حوزه تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری و ایجاد شرایط امر به معروف و نهی از منکر مردم و نهادهای مردمی در حوزه نظارت و کنترل فعالیت‌ها و عملکرد حکومت به منظور ارتقای سطح عملکردی و کاهش فساد و افزایش اعتماد مردمی و مشروعیت نظام است. از این منظر، حکمرانی فرهنگی بدون شک یک فرایند ترکیبی و پیچیده فرهنگ‌مدار است که به منظور ایجاد تعادل و پیشرفت در جامعه هدف شکل می‌گیرد و به نوعی بسترسازی برای مدیریت راهبردی فرهنگی امورات کشور با هدف ارتقای ارزش‌ها، هنجارها، باورها و رفتارهای آحاد جامعه اسلامی در چهارچوب نظام‌واره حکمرانی فرهنگی است که فرایند چنین نظام‌واره و الگویی؛ سیاست‌ها، راهبردها و برنامه‌هایی را که توسط نهادهای دولتی و غیردولتی اجرا می‌شود را نیز شامل می‌شود. البته همین‌جا لازم به ذکر است که اگرچه دو مقوله «حکمرانی» و «مدیریت راهبردی» هر دو مرتبط با تصمیمات کلان و بلندمدت هستند، اما در

1. Cultural Governance.

سطح تمرکز، اهداف، نقش‌ها و فرایندهای مرتبط با یکدیگر تفاوت دارند. حکمرانی بیشتر چهارچوب‌ساز، نظارت‌کننده و هادی است، در حالی که مدیریت راهبردی؛ راهبردساز و عامل در محدودهٔ چهارچوب‌های حکمرانی است.

بر این اساس، اجزاء و عرصه‌های حکمرانی فرهنگی به شرح زیر، قابل تفصیل و شناسایی است:

الف) از الزامات راهبری در حکمرانی فرهنگی در درجه اول، نیاز به آگاهی و شناخت عمیق از فرهنگ جامعه است. بدون درک عمیق از هنجارها و ارزش‌های فرهنگی، نمی‌توان انتظار داشت که برنامه‌ها و سیاست‌ها، تأثیری مطلوب و شایسته‌ای داشته باشند. مرحله بعد؛ هدف‌گذاری در حکمرانی فرهنگی است که بسیار حیاتی است، زیرا اهداف مشخص و قابل دستیابی می‌توانند راه را برای تحقق سیاست‌های فرهنگی موردانتظار، هموار کنند. در نهایت نیز ضروری است که بین نهادهای دولتی و غیردولتی هماهنگی لازم وجود داشته باشد تا منابع و استعدادها به‌خوبی شناسایی و به‌کارگیری شوند.

ب) لازم است ایجاد و توسعه سیاست‌های فرهنگی براساس شناسایی مسائل و نیازهای روز جامعه باشد. نگرش نظام‌مند و تحلیل‌های دقیق و منطقی در این مسیر می‌تواند به ایجاد و جاری‌شدن سیاست‌ها و خط‌مشی‌های کارآمد، کمک کند و در این میان نیز برآورد و تحلیل تأثیرات سیاست‌های فرهنگی بر جامعه برای ارزیابی و اصلاح برنامه‌ها حیاتی است.

ج) طراحی و برنامه‌ریزی برنامه‌ها باید به‌طور خاص برای تحقق «اهداف فرهنگی» و «به‌غایت فرهنگ» باشند و به دنبال آن اجرای کارآمد برنامه‌ها نیز گام بعدی است که نیاز به مدیریت کارآمد و نظارت دارد که لازم است منابع به‌خوبی تخصیص یابند و موانع شناسایی شوند.

## ه) جایگاه تحول در حکمرانی فرهنگی

«تحول» به مثابه پلی بین «هویت‌محوری» و «آینده‌نگری» در الگوی حکمرانی فرهنگی است. از منظر آینده‌پژوهی؛ تحول نه به‌عنوان «گسست از گذشته»، بلکه به‌عنوان فرایندی هدف‌مند برای حفظ هویت در بستر تغییرات فرهنگی و اجتماعی

آینده‌پژوهی تحول در حکمرانی فرهنگی با عاملیت هوش مصنوعی

جامعه تعریف می‌شود. تحولی که ذیل الگوی حکمرانی فرهنگی در جامعه اسلامی؛ هویت‌محور و آینده‌ساز است و از طریق تقویت خلاقیت، نوآوری و تاب‌آوری و فرهنگی، می‌تواند تعالی‌بخش باشد. تعالی فرهنگی به معنای ارتقای کیفیت و استمرار تأثیر فرهنگ در جامعه است که از طریق تحول هوش‌مندانه در جریان حکمرانی فرهنگی محقق می‌شود.

جدول ۱- چهارچوب تحول توأمان «هویت‌محور» و «آینده‌نگر» در الگوی حکمرانی فرهنگی

| راهبرد آینده‌پژوهانه حکمرانی فرهنگی   | نقش تحول  | مؤلفه‌ها        |
|---|---|-----------------|
| شناسایی روندهای معارض یا تهدیدکننده هویت<br>مانند جهانی‌سازی و با طراحی سپرهای فرهنگی | بازنگری و ارتقای تعریف عناصر فرهنگی در بسترهای پیش روی حکمرانی فرهنگی | حفظ هویت        |
| رشد و توسعه زمینه‌ساز فرایندهای نوآوری فرهنگی مانند بوستان‌ها و شهرک‌های خلاق فرهنگی  | خلق فرصت‌های جدید برای رشد فرهنگی                                     | رشد و تعالی     |
| گفتمان‌سازی حول مفاهیمی مانند «هویت ملی» یا «تعالی فرهنگی»                            | ایجاد تعادل و هماهنگی بین کنش‌ها و فعالیت‌های فرهنگی جدید و قدیم      | هماهنگی و تعادل |

بر این اساس، تناقض هویت‌محوری و جریان تحول از چالش‌های اصلی پیش روی مقوله تحول در حکمرانی فرهنگی است؛ اینکه چگونه می‌توانیم در عین بازکردن فضا برای نوآوری، از تقلیل هویت به عنصری نمایشی جلوگیری کنیم؟ و این در حالی است که تحول نیازمند همراهی آحاد جامعه است و لازم است پیش‌بینی و برنامه‌ریزی داشته باشیم که حتی‌الامکان ذائقه و انتظارات مردم را با اهداف کلان فرهنگی هم‌سو کنیم تا مسیر حکمرانی فرهنگی در جامعه اسلامی هموار شده و جریان تحول در آن، تسهیل گردد. تحول در الگوی حکمرانی فرهنگی با تکیه بر آینده‌پژوهی، فرایندهایی را در قالب محورهای زیر در پی خواهد داشت:

- ❖ هویت را نه به‌عنوان «مانع»، بلکه به‌عنوان «موتور محرکه» تغییر و تحول، مورد تأکید قرار می‌دهد؛
- ❖ با آینده‌پژوهی و پیش‌بینی آینده، جامعه را برای تحولات اجتناب‌ناپذیر و تعالی‌بخش آماده می‌کند؛

❖ تعالی فرهنگی را از طریق همراهی منطقی و ترکیب خلاقانه سنت‌ها و نوآوری‌ها محقق می‌سازد.

بدیهی است فارغ از این نظر و دیدگاه؛ حکمرانی فرهنگی یا در عدم پویایی فرهنگی و هویتی متوقف می‌شود و یا به ناچار در تقلید کورکورانه از الگوهای بیگانه محو شده و استحاله فرهنگی را برای جامعه به دنبال خواهد آورد.

## و) آینده‌پژوهی تحول<sup>۱</sup>

آینده‌پژوهی تحول، هنر تبدیل «آرمان‌ها» به «اقدام» است. این فرایند با ترکیب خلاقیت، داده‌محوری و مشارکت جمعی، امکان خروج از بن‌بست‌های کنونی و ساخت آینده‌ای عادلانه‌تر و پایدارتر را فراهم می‌کند. به عبارتی دیگر؛ آینده‌پژوهی تحول به معنای استفاده از روش‌های نظام‌مند و بین‌رشته‌ای برای شناسایی، تحلیل و هدایت تغییرات آینده در نظام‌های موردنظر است. چنین فرایندی نه تنها زمینه پیش‌بینی آینده را فراهم می‌سازد، بلکه به دنبال ساخت آینده‌ای مطلوب از طریق بازتعریف سیاست‌ها، اهداف، راهبردها و روابط قدرت در آن عرصه است. این فرایند تنها به پیش‌بینی آینده محدود نمی‌شود، بلکه با بازطراحی نظام‌ها به دنبال ایجاد تحولاتی کارگشا است. از مراحل اساسی آینده‌پژوهی تحول، به موارد می‌توان اشاره کرد:

۱. شناسایی پیشران‌های تغییر<sup>۲</sup>: شامل تحلیل روندها و زمینه‌های کلان مؤثر در زیست‌آحاد جامعه و تشخیص نقاط اهرمی برای تأثیرگذاری بر فرایندهای مجموعه موردنظر، مانند شناسایی تأثیر عاملیت هوش مصنوعی بر آینده تحولات حکمرانی فرهنگی.

۲. فرآیندهای تحول‌آفرین<sup>۳</sup>: طراحی فرآیندهای مبتنی بر عبور از وضع موجود، همچون فرآیندهای تداوم<sup>۴</sup> و یا فرآیندهای تحول بنیادین<sup>۵</sup> مثل ترسیم

1. Transformational Futures Research.  
2. Drivers of Change.  
3. Transformative Scenario Planning.  
4. Business as Usual.  
5. Radical Transformation.

آینده‌پژوهی تحول در حکمرانی فرهنگی با عاملیت هوش مصنوعی

آینده‌نگاری وضعیت سی‌پهر رسانه‌ای کشور با محوریت گذار از آنالوگ به دیجیتال.

۳. طراحی راهبردهای تحول‌گرا: تدوین راهکارهای غیرخطی و خلاقانه برای عبور از موانع ساختاری، همچون تمرکز بر نوآوری‌های نهادی، فناورانه و فرهنگی و اجتماعی، مثل طراحی الگوی اقتصادی چرخشی فرهنگ‌مدار برای فرایند بازیافت.

۴. اجراهای آزمایشی و یادگیری: همچون اجرای پروژه‌های پایلوت برای آزمودن راهکارها در مقیاس کوچک. مثل آزمایش شهرهای هوش‌مند با محوریت کاهش مصرف انرژی و استفاده از چرخه عمل، بازخورد، بازطراحی.

۵. مقیاس‌گذاری و نهادینه‌سازی: تبدیل نوآوری‌های موفق به سیاست‌ها و قوانین پایدار، جلب مشارکت ذی‌نفعان اصلی مانند دولت، بخش خصوصی و آحاد جامعه.

از ویژگی‌های ممتاز آینده‌پژوهی تحول می‌توان به فرابخشی بودن، تمرکز بر عدالت به معنی توجه به توزیع منافع و هزینه‌های تحول در جامعه و انعطاف‌پذیری به معنی طراحی راهکارهایی که با عدم قطعیت‌ها هم بتوانند تا حدی سازگار باشند. البته در این مسیر انتظار می‌رود که با چالش‌هایی هم مواجه باشیم، همچون مقاومت ذی‌نفعان از وضع موجود، یا کمبود داده‌های بلندمدت برای الگوسازی دقیق و یا مواجهه با انحصار فناوری‌های تحول‌آفرین که در مواردی اهداف تحول را تحت‌الشعاع قرار می‌دهد.

## ز) عاملیت هوش مصنوعی در آینده‌پژوهی

هوش مصنوعی<sup>۲</sup> «آینده‌پژوهی» را از یک فعالیت کیفی تخمینی<sup>۳</sup> به یک فرایند کمی پویا<sup>۴</sup> نزدیک می‌کند. با این حال، موفقیت آن در گرو همراهی و ترکیب هوش مصنوعی با بینش انسانی، ارزش‌های اخلاقی و دینی و مؤلفه‌های متعالی حکمرانی

1. Scaling & Institutionalizing.
2. Artificial Intelligence.
3. Estimated.
4. Dynamic.

فرهنگی و اسلامی است. هوش مصنوعی در عصر حاضر نه تنها ابزاری قابل‌اعتنا برای آینده‌پژوهی در پیش‌بینی آینده است، بلکه می‌تواند دستیاری هوش‌مند برای ساختن آینده‌های مطلوب باشد. هوش مصنوعی به عنوان یک ابزار تحول‌آفرین، آینده‌پژوهی را در ابعاد مختلفی تقویت می‌کند و به پژوهش‌گر امکان می‌دهد تا پیش‌بینی‌های دقیق‌تر، تحلیل‌های عمیق‌تر و فرآیندهای واقع‌بینانه‌تری ارائه دهند. نقش کلیدی هوش مصنوعی در آینده‌پژوهی را می‌توان در محورهای زیر دسته‌بندی و ارائه کرد:

۱. تحلیل کلان‌داده‌ها و شناسایی روندها: هوش مصنوعی با پردازش حجم عظیمی از داده‌های ساختاریافته و غیرساختاریافته مانند متن، تصویر و ویدیو و داده‌های حس‌گرها، می‌تواند الگوهای پنهان و روندهای نوظهور را شناسایی و در اختیار قرار دهد.

۲. پیش‌بینی و الگوسازی فرآیندها: دستورالعمل‌های گام‌به‌گام یادگیری ماشین و شبیه‌سازی‌های مبتنی بر هوش مصنوعی، امکان پیش‌بینی چندبعدی آینده را فراهم می‌کنند. مانند الگوسازی تأثیر فن‌آوری‌هایی مانند متاورس بر چشم‌انداز آینده‌نگر حکمرانی فرهنگی.

۳. سرعت کشف نوآوری‌ها: هوش مصنوعی با تحلیل داده‌های تحقیقات علمی، اختراعات و انتشارات دانشگاهی و تخصصی، می‌تواند نوآوری‌های ممکن در عرصه حکمرانی فرهنگی را پیش‌بینی کند.

۴. بهبود تصمیم‌گیری‌های راهبردی: هوش مصنوعی با ارائه تحلیل ریسک<sup>۱</sup> و شبیه‌سازی نتایج، به تصمیم‌گیرندگان کمک می‌کند تا راهبردهای انعطاف‌پذیرتر و واقع‌بینانه‌تری در حکمرانی فرهنگی طراحی کنند. مانند شبیه‌سازی نتایج تقابل و تهاجم فرهنگی بین کشورها، بر بدنه اجتماع و فرهنگ عمومی جامعه.

۵. مدیریت راهبردی عدم قطعیت‌ها<sup>۳</sup>: آینده همواره با عدم قطعیت همراه

1. Algorithm.

2. Risk analysis.

3. Uncertainty Management.

آینده‌پژوهی تحول در حکمرانی فرهنگی با عاملیت هوش مصنوعی

است. هوش مصنوعی با استفاده از روش‌های احتمالاتی و شبکه‌های عصبی، می‌تواند فرآیندهای محتمل را رتبه‌بندی و عدم قطعیت را کمینه کرده و تأثیرات نامطلوب عوامل غیرقابل پیش‌بینی را کاهش دهد. مانند پیش‌بینی احتمال وقوع گسست‌های فرهنگی بر اساس الگوهای جاری رفتاری و فرهنگی رایج در جامعه.

۶. شخصی‌سازی آینده‌پژوهی: هوش مصنوعی می‌تواند آینده‌پژوهی را برای سازمان‌ها یا جریان‌های فرهنگی خاص، سفارشی‌سازی کند. مانند طراحی فرآیندهای توسعه کارکردهای فرهنگی کارکنان یک سازمان رسانه‌ای بر اساس قابلیت‌ها، آموزش‌های مهارتی و یا ترجیحات فردی آنان.

۷. اخلاق و حکمرانی فرهنگی آینده‌نگر: هوش مصنوعی می‌تواند با تحلیل پیامدهای اخلاقی فناوری‌های نوین، به سیاست‌گذاران فرهنگی در تدوین چهارچوب‌ها و ساختارهای نظارتی کمک کند.

هر چند که نباید از نظر دورداشت که استفاده از هوش مصنوعی در فرایند آینده‌پژوهی، می‌تواند با چالش‌هایی اساسی نیز توأم باشد. مانند سوگیری ذاتی بعضی از داده‌ها، چنان‌که برخی از داده‌های تاریخی ممکن است شامل پیش‌فرض‌هایی ناخواسته باشند که پیش‌بینی‌ها را تحت‌الشعاع قرارداده یا مخدوش کنند. همچنین پیچیدگی فرایند تفسیرها، همچون خروجی الگوهای پیچیده هوش مصنوعی مثل شبکه‌های عصبی، ممکن است برای خیلی از انسان‌ها غیرقابل درک باشد و یا وابستگی بیش از حد بهره‌گیری از توانایی‌های هوش مصنوعی و یا اتکای صرف به آنها می‌تواند خلاقیت و شهود انسانی را در آینده‌پژوهی تضعیف کند.

### ح) آینده‌پژوهی و نقش آن در تحول حکمرانی فرهنگی

ما البته در آینده‌پژوهی با محدودیت‌هایی مواجه هستیم. از طرفی آینده‌پژوهی فرهنگی نیز ذاتاً با عدم قطعیت همراه است. اما در عین حال آینده‌پژوهی به عنوان یک چهارچوب راهبردی پذیرفته‌شده مطرح است و از این ره‌گذر هم جایگاه تحول در حکمرانی فرهنگی را در سه سطح زیر می‌تواند تقویت و پشتیبانی کند:

الف) شناخت عمیق و هدف‌گذاری تحول‌گرا: یعنی در این سطح ابتدا با آینده‌پژوهی و به‌وسیله تحلیل روندهای فرهنگی، به حکمرانان کمک می‌شود تا سیر تحولات لازم برای حفظ هویت فرهنگی جامعه را پیش‌بینی کنند. در گام بعد با هدف‌گذاری پویا، اهداف فرهنگی مبتنی بر فرآیندهای محتمل آینده مانند میزان تأثیر هوش مصنوعی در عرصه هنر یا تغییر سبک زندگی نسل جوان، تنظیم می‌شوند.

ب) سیاست‌گذاری مبتنی بر چشم‌انداز: در این سطح سیاست‌های تاب‌آور مورد نظر هستند یعنی طراحی سیاست‌هایی که هم‌زمان با حفظ هویت، جامعه را برای مواجهه با پدیده‌ها و یا شوک‌های فرهنگی محتمل آتی (مانند رویدادهای محیط زیستی آماده می‌کند. یا با تقویت دیپلماسی فرهنگی که با استفاده از آینده‌پژوهی برای تقویت نقش فرهنگ در روابط بین‌الملل و انتقال هوش‌مندانه ارزش‌های بومی به عرصه جهانی، برنامه‌ریزی و اقدام می‌شود.

ج) برنامه‌ریزی تحول‌آفرین: در آخرین سطح با نوآوری در برنامه‌ها و اقدامات، مانند طراحی و اجرای «موزه‌های مجازی» یا «آموزش‌های خلاقانه سواد فرهنگی» که هویت را در قالب فن‌آوری‌های نوین بازتولید می‌کنند، اقدام صورت می‌پذیرد و یا با شبکه‌سازی نهادی که توسط هماهنگی بین نهادهای و مراکز فرهنگی و دینی دارای هویت و سابقه مانند مراکز مذهبی و نهادهای نوین و فن‌آورانه مانند استارت‌آپ‌های فرهنگی، برای تضمین تحولات هم‌سو با هویت اصیل جامعه اقدام می‌شود.

آینده‌پژوهی به عنوان یک مبنا و چهارچوب نظری میان‌رشته‌ای، با هدف کشف، تحلیل و ساخت آینده‌های محتمل، از طریق ترکیب روش‌های تحلیلی، خلاقانه و انتقادی عمل می‌کند. این روش و الگو نه تنها به پیش‌بینی آینده محدود نمی‌شود، بلکه با شناسایی پیش‌ران‌های کلیدی، فرآیندهای تحول‌آفرین و بازتعریف راهبردها، به دنبال تأثیرگذاری فعالانه بر مسیر تحولات آتی است. در این پژوهش، آینده‌پژوهی به مثابه یک پیش‌ران و سازه مفهومی به کار گرفته شده است که امکان درک پیچیدگی‌های حکمرانی فرهنگی در عصر حاضر و با عاملیت هوش مصنوعی را فراهم می‌کند. از منظر مبانی هستی‌شناختی و روش‌شناختی

پویا، آینده‌پژوهی بر این اصل استوار است که آینده‌ها تک‌عاملی و جبرگرا نیستند، بلکه محصول تعامل پویای عوامل انسانی، فن‌آوری و ساختارهای فرهنگی و اجتماعی هستند. این نگاه، هم‌سو با ماهیت چندلایه حکمرانی فرهنگی است که در آن ارزش‌ها و آموزه‌های دینی، نوآوری‌های فن‌آورانه و مطلوبیت‌های جامعه در تعامل دائمی قرار دارند. در این پژوهش، این رویکرد به ما اجازه می‌دهد تا سلطه دستورالعمل‌های رایج جهانی برای تولید محتوای فرهنگی را به چالش کشیده و الگوهای بومی هم‌سو با ارزش‌های اسلامی و ایرانی را طراحی کنیم.

بر این اساس، اجزای سه‌گانه کلیدی این چهارچوب نظری عبارت‌اند از: تحلیل لایه‌ای علی، فرآیندهای تحول‌آفرین و نظریه پیش‌ران‌ها<sup>۱</sup>. بر مبنای اجزای این چهارچوب، پژوهش‌گر می‌تواند تا امورات حکمرانی فرهنگی را در چهار لایه تحلیل کند:

- ❖ لایه رویدادها: رصد تحولات عینی مثل افزایش استفاده از هوش مصنوعی در تولید آثار دیداری و شنیداری رسانه‌ای؛
- ❖ لایه ساختاری: شناسایی عوامل کلان مانند سیاست‌های و راهبردهای حکمرانی یا پیشرفت‌های فن‌آوری؛
- ❖ لایه گفتمانی: کشف روایت‌های مسلط مثل «حفظ هویتی که نیازمند محدودسازی فن‌آوری باشد»؛
- ❖ لایه اسطوره‌شناختی: واکاوی باورهای عمیق فرهنگی مثل اسطوره‌های معنا ساز.

بدیهی است فرآیندها در آینده‌پژوهی- نه به‌مثابه پیش‌بینی- بلکه ابزارهایی برای تفکر راهبردی هستند. شناسایی و رتبه‌بندی پیش‌ران‌ها نیز همچون «سرعت تحولات فن‌آوری»، «تغییرات نسلی در ترجیحات فرهنگی» و «فشارهای بین‌المللی» به عنوان نیروهای محرک آینده، امکان اولویت‌بندی راهبردها را فراهم می‌کند. لذا در نهایت و بر مبنای چهارچوب نظری آینده‌پژوهی؛ حکمرانی فرهنگی از یک فرایند

1. CLA: Causal Layered Analysis.  
2. Drivers of Change.

اداری به یک پروژه آینده‌ساز تبدیل می‌شود که در آن هر تصمیم، آگاهانه و با در نظر گرفتن پیامدهای بلندمدت اتخاذ می‌شود. هوش مصنوعی نیز در این میان به مثابه ابزار آینده‌نگری و قابلیت‌های هوش مصنوعی در تحلیل کلان‌داده‌ها و شبیه‌سازی فرآیندها، به عنوان مکملی برای شهود انسانی در فرایند آینده‌پژوهی به کار گرفته شده است. اخلاق نیز به مثابه محور تحول می‌تواند محسوب شود که چهارچوب نظری حاضر، اخلاق را نه به عنوان محدودیت، بلکه به عنوان پیشران اصلی در طراحی آینده‌های مطلوب و متعالی فرهنگی معرفی می‌کند.

چهارچوب نظری آینده‌پژوهی نشان می‌دهد که این مینا با ارائه ابزارهای تحلیلی، روش‌های مشارکتی مانند دلفی و بینش‌های انتقادی که نام برده شد؛ نه تنها امکان درک عمیق‌تر تحولات آتی فرهنگی را فراهم می‌کند، بلکه به سیاست‌گذاران اجازه می‌دهد تا از وضعیت حکمرانی فرهنگی واکنشی به سمت حکمرانی فرهنگی پیش‌دستانه و آینده‌پژوهانه حرکت کنند. در این مسیر، هوش مصنوعی به عنوان یک عامل و دستیار راهبردی، امکان تحلیل پیچیدگی‌ها و آزمایش راهکارها در محیط‌های شبیه‌سازی‌شده را فراهم می‌آورد.

## روش پژوهش

پژوهش حاضر از نظر ماهیت و رویکرد «کیفی» و از نظر هدف «کاربردی» است. پژوهش کیفی با توصیف سروکار دارد و در مواردی استفاده می‌شود که دغدغه‌ای نسبت به فهم چگونگی وقوع پدیده‌ها و نحوه ارتباط آنها به یکدیگر وجود دارد نه لزوماً برای سنجش رابطه بین متغیرها. در پژوهش‌های کیفی به جای آن‌که پدیده را به اجزایی تجزیه کرده و با تعیین دقیق متغیرها روابط علی را بررسی کنیم، کلیت یک پدیده و همه پیچیدگی‌ها و زوایای آن مطالعه می‌شود (پاتن، ۱۹۹۰: ۲۳۰). هدف تحقیقات کیفی، درک همه‌جانبه موضوع بر اساس داده‌هایی است که محتوا همراه با همه ظرافت‌هایش در بردارد و بر تحلیل‌های کل‌گرایانه تأکید دارد (محمدی، ۱۳۹۳: ۲۵). در پژوهش حاضر از روش مطالعه اسنادی و منابع کتابخانه‌ای استفاده شده است و با استناد بر منابع معتبر و نتایج پژوهش‌های مرتبط انجام گرفته است. در روش اسنادی، پژوهش‌گر، داده‌های پژوهشی خود را درباره

کنش‌گران وقایع و پدیده‌های فرهنگی و اجتماعی، از بین منابع و متون جمع‌آوری کرده و به مطالعه و تحلیل آنها می‌پردازد. در واقع، روش اسنادی یعنی تحلیل آن دسته از اسنادی که شامل اطلاعات درباره پدیده‌هایی است که قصد مطالعه آنها را داریم. در پژوهش حاضر نیز پژوهشگر در روند تحقیق، به پژوهش‌های مرتبط با حوزه موضوعی فرهنگ و حکمرانی فرهنگی با اولویت منابع فارسی پرداخته شده و در مراحل برای تکمیل یا مقایسه مباحث، منابع خارجی نیز مدنظر قرار گرفته‌اند.

در این تحقیق با توجه به اینکه محقق برای دستیابی به اهداف پژوهش نیازمند نظرات کارشناسانه محققان و متخصصان حوزه فرهنگ و مدیریت بوده است، انتخاب رویکرد کیفی را برای آن مناسب دانسته، چرا که این رویکرد روند پژوهش را به‌شدت درگیر عمق و محتوای موضوع کرده و باعث می‌شود با زمینه مطالعه، ارتباط برقرار کند. بر همین اساس، در پژوهش حاضر با رویکرد کیفی و از طریق مطالعات کتابخانه‌ای و با استفاده از مؤلفه‌ها و الزامات مباحث آینده‌پژوهی، یافتن پاسخ سؤالات تحقیق دنبال شده است. در این پژوهش، افزون بر بهره‌گیری از روش کیفی و مطالعات اسنادی، روش آینده‌پژوهی به عنوان چهارچوبی کلیدی برای تحلیل تحولات حکمرانی فرهنگی با عاملیت هوش مصنوعی به کار گرفته شده است. آینده‌پژوهی با تمرکز بر شناسایی روندهای نوظهور، فرابرنامه‌های تحول‌آفرین و کشف عدم قطعیت‌ها، امکان درک عمیق‌تری از تعاملات پیچیده بین فن‌آوری، فرهنگ و هنجارها و ارزش‌های فرهنگی و اجتماعی را فراهم می‌کند. در این راستا، از ابزارهای آینده‌پژوهی مانند تحلیل لایه‌ای علی برای واکاوی ریشه‌های فرهنگی و تاریخی تحولات و روش دلفی اصلاح‌شده برای گردآوری دیدگاه‌های خبرگان در مورد فرابرنامه‌های محتمل آینده استفاده شده است. همچنین، با الهام از الگوی چهار مرحله‌ای آینده‌پژوهی شامل: شناسایی پیشران‌ها، ترسیم آینده‌های جایگزین، بازتعریف راهبردها و طراحی اقدامات تحول‌آفرین، این پژوهش به بررسی چگونگی تأثیر هوش مصنوعی بر بازسازی فرایندهای حکمرانی فرهنگی پرداخته است. این رویکرد، امکان ترکیب داده‌های تاریخی از متون فرهنگی موجود با تحلیل‌های پیش‌گویانه مانند شبیه‌سازی تأثیر دستورات عمل‌ها بر تولید محتوا را فراهم کرده و به پژوهش‌گر اجازه داده است تا از سطح توصیف صرف فراتر رفته و به ساخت آینده‌های مطلوب براساس ارزش‌های اسلامی و ایرانی بپردازد.

این تلفیق روشی، نه تنها هم‌سو با ماهیت کیفی پژوهش است، بلکه با تکیه بر چشم‌اندازسازی نظام‌مند و تفکر انتقادی، به غنای تحلیل‌های محتوایی افزوده و امکان ارائه راهکارهای کاربردی برای سیاست‌گذاران فرهنگی را افزایش می‌دهد.

## یافته‌های پژوهش

پس از مطالعات و واکاوی‌های انجام‌شده که با همراهی هوش مصنوعی در قامت دستیار پژوهش در مراحل مختلفی از جمله جستجو و تلخیص پیشینه‌ها، طبقه‌بندی داده‌ها و بهینه‌سازی ساختار محتوایی مقاله همراه بود، یافته‌های این پژوهش با رویکرد آینده‌پژوهی و با هدف ترسیم تحولات حکمرانی فرهنگی در پرتو عاملیت هوش مصنوعی، به شرح زیر قابل ارائه است:

الف) برخلاف تصور رایج از هوش مصنوعی به عنوان یک ابزار فنی منفعل، یافته‌ها نشان می‌دهد که با به‌کارگیری حرفه‌ای و تعامل پیش‌برنده با ابزارهای رایج هوش مصنوعی، می‌توان مانند بسیاری از زمینه‌های فرمی و محتوایی دیگر، در عرصه حکمرانی فرهنگی نیز به عنوان یک دستیار قابل اعتنا و فعال، از آن بهره‌برداری لازم را به عمل آورد. این عاملیت در سه سطح، بیشتر متجلی است:

۱. پیش‌بینی استقرائی تحولات مبتنی بر مشاهده و تحلیل کلان‌داده‌های فرهنگی، مانند واکاوی الگوی مصرف در منظومه صنایع فرهنگی، بررسی الگوهای زبانی و یا گرابه‌های<sup>۱</sup> هنری برای شناسایی رویدادها و یا چشم‌اندازهای قابل‌دستیابی آتی.

۲. جمع‌بندی و ارائه سیاست‌های تطبیقی یا تولید پیشنهادات سیاستی مبتنی بر شبیه‌سازی فرآیندها، مثل دستورالعمل تنظیم سهمیه‌بندی محتوای بومی در سکوهای فضای مجازی.

۳. خلق محتوای هویت‌ساز با استفاده از الگوهای زبانی بزرگ<sup>۲</sup> برای تولید آثار ادبی یا هنری که هم‌سو با ارزش‌ها و هنجارهای اسلامی و ایرانی باشند.

یافته‌های سه‌گانه فوق‌الذکر با نظریه شبکه‌های حکمرانی که قبلاً بیان شد، هم‌سو است که بر تعامل بازیگران دولتی و غیردولتی تأکید دارد، با این تفاوت که

1. Trends.

2. Large Language Model.

آینده‌پژوهی تحول در حکمرانی فرهنگی با عاملیت هوش مصنوعی

هوش مصنوعی به عنوان یک بازیگر نوظهور و دستیار فن‌آورانه در شبکه مذکور معرفی می‌شود.

ب) تضاد متعادل و متعامل! به معنی همزیستی عادات قدیم و نوآوری نوین، از دیگر سرفصل یافته‌های پژوهش حاضر است که نشان می‌دهد در مواردی عاملیت هوش مصنوعی در فرایندهای حکمرانی فرهنگی، مستلزم حل تضاد موجود بین مقوله‌های متنافر است. همچون نیروی ایستایی و مقاومت در برابر تغییر برای حفظ مقوله‌های ریشه‌دار مانند عادات یا رفتارهای نامناسب که ریشه در کژتابی فرهنگی یا تربیتی گذشته داشته و مغایر با هنجارها و آموزه‌های دینی است. راهکار پیشنهادی، طراحی چهارچوب‌هایی پویا با دستکاری «سامانه‌های توصیه‌گر هوش‌مند»<sup>۱</sup> است که محتوای فرهنگی را با ترکیب معیارهای اساسی و ثابت (مانند آموزه‌های دینی و متغیرهایی مانند ذائقه نسل معاصر) شخصی‌سازی کند. این یافته، مشابهت زیادی با نظریه آینده‌پژوهی انتقادی که قبلاً توضیح آن ارائه شد، دارد و بر ساخت آینده‌های جایگزین و متعالی تأکید دارد.

ج) اگرچه ادبیات تحقیق حاضر بر اهمیت اخلاق‌مداری در بهره‌برداری از هوش مصنوعی تأکید دارد، یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که اخلاق حرفه‌ای و فن‌آورانه در حکمرانی فرهنگی نیازمند مراحل و فرایندهای عملیاتی خاصی است، مانند شفافیت دستورالعمل‌ها، حلقه‌های بازخورد اخلاقی، نظارت چند لایه و ترکیبی از نظارت‌های انسانی قانونی و دین‌مدار و ماشینی هوش‌مند فرایندمحور. این یافته نیز به نوعی نظریه عاملیت هوش مصنوعی که پیش‌تر بیان شد را بومی‌سازی کرده و آن را در چهارچوب ارزش‌های اسلامی و ایرانی بازتعریف می‌نماید.

د) دیگر یافته پژوهش حاضر، درخصوص حکمرانی فرهنگی به مثابه بوم‌سازگان<sup>۲</sup> زنده است. یافته‌ها مؤید آن است که حکمرانی فرهنگی در عصر هوش مصنوعی، دیگر یک ساختار سلسله‌مراتبی نیست، بلکه به یک بوم‌سازگان زنده تبدیل شده که دارای ویژگی‌های سه‌گانه و شامل غیرمتمرکزسازی، تولید جمعی و بهینه‌سازی هنجاری پویا است که مصداق آن عبارت است از: انتقال توانایی از نهادهای دولتی

1. Intelligent Recommender System.

2. Ecosystem.

به سکوه‌های خودگردان مبتنی بر بلاک‌چین و مشارکت شهروندان در تولید محتوای فرهنگی مطلوب با عاملیت هوش مصنوعی مثل تولید پویانمائی‌های دین‌مدار تاریخی با فراخوان عمومی. این‌ها را می‌توان از موارد تحولی به شمار آورد که هم‌سو با مفهوم شهروند فرهنگی رقمین در ادبیات نوظهور حکمرانی فرهنگی مطرح است.

ه) آخرین یافته با اهمیت، احتساب سواد رقمین<sup>۱</sup> و مجازی به‌منزله یک نقطه ضعف در جریان تحول در حکمرانی فرهنگی است. اگرچه فن‌آوری هوش مصنوعی ظرفیت بالایی برای همراهی فرایند تحول در حکمرانی فرهنگی دارد، اما این یافته نشان می‌دهد که شکاف و ضعف سواد مذکور در دو سطح می‌تواند این فرایند را در درازمدت با چالش مواجه کند: ابتدا در سطح سیاست‌گذاری که عدم درک مدیریتی از قابلیت‌ها و محدودیت‌های هوش مصنوعی می‌تواند منجر به طراحی و به‌کارگیری خط‌مشی‌های ناکارآمد شود. دیگر در سطح جامعه که عدم توانایی شهروندان در تشخیص و تطبیق محتوای تولیدشده توسط هوش مصنوعی، می‌تواند خطر استحاله هویتی را در درازمدت به دنبال داشته باشد. به نظر می‌رسد راهکار مناسب در این‌جا، طراحی و اجرای برنامه‌های آموزشی و فرهنگی چندسطحی است که هم‌زمان به ارتقای سواد فن‌آورانه مدیران و توانمندسازی آحاد جامعه در نقد با بصیرت و هوش‌مندانه محتوای هوش مصنوعی منجر شود.

به عنوان یک جمع‌بندی شکلی یافته‌ها نیز این پژوهش با اتخاذ رویکرد تحولی و آینده‌پژوهانه به حکمرانی فرهنگی، نشان می‌دهد که هوش مصنوعی می‌تواند با ایفای نقش یک دستیار و ابزار کارآمد، مقوم فرایند مدیریت در این حوزه باشد. مدیریتی میدان‌دار و تحول‌آفرین که گفتمان فرهنگ را از انفعال به پویایی سوق می‌دهد. با این حال، موفقیت این فرایند در گرو تحقق شرط‌های سه‌گانه زیر است:

۱. تدوین چهارچوب‌های اخلاقی بومی برای بهره‌گیری و عاملیت هوش مصنوعی که هم‌سو با هنجارها و ارزش‌های اسلامی و ایرانی باشد؛
۲. ایجاد سازوکارهای نظارتی ترکیبی برای جلوگیری از انحصار فن‌آورانه؛

1 Digital Literacy.

۳. تحول در نقش‌پذیری فرهنگی و اجتماعی شهروندان از مصرف‌کننده به تولیدکننده محتوا و مروج فرهنگ.

در خاتمه امید است این یافته‌ها بتواند علاوه بر افزودن غنای نظری به ادبیات موجود و موردنیاز در عرصه «حکمرانی فرهنگی»، زمینه‌ساز الگویی مفهومی و قابل بهره‌برداری برای عرصه‌های در حال رشد و توسعه در حوزه فرهنگ و گفتمان انقلاب اسلامی باشد.

### نتیجه‌گیری

با توجه به یافته‌های این پژوهش که با رویکرد آینده‌پژوهی و تمرکز بر عاملیت هوش مصنوعی در حکمرانی فرهنگی انجام شد، می‌توان ادعا کرد که ادغام فن‌آوری‌های پیشرفته با سازوکارهای فرهنگی، نه تنها یک ضرورت راهبردی، بلکه فرصتی بی‌بدیل برای تعالی هویت دینی و ملی در عصر رقومی<sup>۱</sup> است. این مطالعه با تحلیل تعاملات پیچیده بین دستورات عمل‌های هوش‌مند<sup>۲</sup>، ارزش‌های دینی و فرهنگی و نیازهای نوین جامعه اسلامی، پنج رهیافت کلیدی را استخراج کرده است که هم‌زمان به بازتعریف مفاهیم نظری حکمرانی فرهنگی و ارائه راهکارهای عملیاتی برای مدیران راهبردی و سیاست‌گذاران می‌پردازد. نتایج پیش رو، گامی به سوی ترسیم الگویی است که در آن فن‌آوری و فرهنگ نه در تقابل، بلکه در یک هماهنگی خلاقانه، آینده‌ای پایدار و عدالت‌محور را رقم می‌زنند:

۱. تحول در الگوی حکمرانی فرهنگی با عاملیت هوش مصنوعی: هوش مصنوعی با تحلیل پیش‌دستانه کلان‌داده‌های فرهنگی و شناسایی روندهای نوظهور، امکان طراحی سیاست‌های آینده‌پژوهانه و مبتنی بر شواهد را فراهم می‌کند. این تحول، حکمرانی فرهنگی را از حالت انفعالی و آفندی به سمت الگویی فعال و آینده‌ساز سوق می‌دهد که در آن، حفظ هویت دینی و ملی در تعامل پویا با فن‌آوری‌های نوین قرار می‌گیرد.

۲. چهارچوب انعطاف‌پذیر برای هم‌زیستی روال‌های جاری و نوآوری نوین: طراحی نظام‌های حکمرانی فرهنگی باید مبتنی بر تعادل پویا بین ارزش‌های

1. Digital.

2. Intelligent Algorithm.

ثابت مانند اصول دین و الزامات متغیر و روزآمد فن‌آورانه باشد. این چهارچوب با عاملیت هوش مصنوعی، قادر است هم‌زمان از یک‌پارچگی و انسجام فرهنگی دفاع کند و با تولید محتوای شخصی‌سازی‌شده، پاسخ‌گوی نیازهای منطقی و خردمندانه نسل نو و انقلابی باشد.

۳. اخلاق حرفه‌ای و فن‌آورانه به مثابه قاعده حکمرانی فرهنگی: تدوین دستورالعمل‌های اخلاقی مبتنی بر ارزش‌های اسلامی و ایرانی برای توسعه و به‌کارگیری هوش مصنوعی در عرصه فرهنگ، ضروری است. این شامل شفافیت دستورالعمل‌ها، اجتناب از سوگیری‌های نامطلوب و نیز ایجاد فرایندهای مؤثر نظارتی برای ارزیابی تأثیرات فرهنگی تصمیمات ماشینی و ملهم از به‌کارگیری هوش مصنوعی می‌شود.

۴. شبکه‌های مشارکتی غیرمتمرکز: هوش مصنوعی می‌تواند با ایجاد سکوه‌های غیرمتمرکز و خودسامان‌ده، مشارکت شهروندان در تولید، نظارت و ارزیابی محتوای فرهنگی را تسهیل کند. این سازوکار، نه تنها افزایش مشروعیت و مقبولیت سیاست‌های فرهنگی را افزایش می‌دهد، بلکه با تحلیل بازخوردهای زنده و تعاملی، امکان بهینه‌سازی مستمر خطمشی‌ها را فراهم می‌سازد.

۵. سواد رقومی به عنوان یک زیرساخت تحول: تحقق حکمرانی فرهنگی هوش‌مند، مستلزم ارتقای سواد هوش مصنوعی در سطوح سیاست‌گذاری، اجرا و آحاد جامعه مخاطب است. سواد مذکور شامل آموزش مهارت‌های تحلیل داده، تفکر انتقادی نسبت به فن‌آوری و توانایی بازخوانی انتقادی خروجی‌های دستورالعملی می‌شود تا مخاطبان از مصرف‌کنندگان منفعل به ذی‌نفعان آگاه در این عرصه تبدیل شوند.

## پیشنهادها

یافته‌ها و نتایج پژوهش نشان می‌دهد که تحقق حکمرانی فرهنگی در عصر هوش مصنوعی، نیازمند همکاری و تعامل سه‌جانبه سیاست‌گذاران، آحاد جامعه و عالمان و پژوهش‌گران است. با توجه به تعاملات و ارتباط موجود بین ارزش‌های دینی و فرهنگی و کارکردها و ویژگی‌های فن‌آوری‌های نوین، پیشنهادهای کاربردی

آینده پژوهی تحول در حکمرانی فرهنگی با عاملیت هوش مصنوعی

زیر در سه سطح به ذهن می‌رسد تا زمینه تبدیل چالش‌های شناسایی شده به فرصت‌های تحول‌آفرین فراهم شود. این توصیه‌ها نه تنها برگرفته از واکاوی‌ها و تحلیل‌های نظری پژوهش حاضر است، بلکه با نیم‌نگاهی به تجارب عملی داخلی و بین‌المللی، راهکارهایی گام‌به‌گام برای گذار از وضع موجود به آینده‌ای مطلوب را در سر می‌پروراند و به دنبال تقویت تاب‌آوری فرهنگی و گسترش عدالت فن‌آورانه در حیطه زیست‌بوم حکمرانی فرهنگی است.

الف) پیشنهاد به برنامه‌ریزان و مدیران راهبردی فرهنگی:

۱. تدوین دستورالعمل‌های شفاف برای استفاده از هوش مصنوعی در تولید و ترویج محتوای فرهنگی، با تأکید بر انطباق با ارزش‌های دینی و ملی و جلوگیری از سوگیری‌ها ناروا و کژتابی‌های فرهنگی.
۲. سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های الکترونیک و توسعه نظام‌مند سکوه‌های تعاملی مبتنی بر هوش مصنوعی برای گردآوری و نشر داده‌های فرهنگی بایسته و تحلیل روندهای نوظهور در ترجیحات جامعه.
۳. آموزش مستمر نیروی انسانی با برگزاری دوره‌های تخصصی «حکمرانی فرهنگی در عصر هوش مصنوعی» برای ارتقای سواد فن‌آورانه مدیران و تسهیل‌گران فرهنگی.
۴. ایجاد آزمایشگاه‌های نوآوری فرهنگی به منظور آزمودن الگوهای ترکیبی آفندی و پدافندی.

ب) پیشنهاد برای مخاطب عام:

۱. مشارکت مؤثر و متعهدانه در بازخوردهای سکوه‌های فرهنگی مبتنی بر هوش مصنوعی از طریق گزارش‌دهی محتوای نامتناسب با هویت دینی و ملی.
۲. دریافت آموزش پیرامون روش‌های تشخیص محتوای تولیدشده توسط هوش مصنوعی و تحلیل تأثیر آن بر باورها و رفتارهای فرهنگی.
۳. بهره‌گیری مسئولانه از ابزارهای هوش مصنوعی برای خلق آثار هنری و

فرهنگی هم‌سو با آموزه‌های دینی و ارزش‌های جامعه و پرهیز از تقلید کورکورانه از الگوهای بیگانه.

(ج) پیشنهاد به محققان آتی:

۱. بررسی و تحلیل تجربه‌های جهانی در ادغام هوش مصنوعی با سیاست‌های فرهنگی و استخراج یافته‌ها و نتایج قابل استفاده با انجام مطالعات تطبیقی و موردی.
۲. پژوهش درمورد تأثیرات هوش مصنوعی بر هویت نسل حاضر و آینده و خطرات احتمالی یکسان‌سازی فرهنگی و تحلیل پیامدهای بلندمدت آن.
۳. طراحی معیارهای کمی و کیفی برای سنجش اثربخشی هوش مصنوعی در تحقق اهداف حکمرانی فرهنگی و طراحی و توسعه شاخص‌های ارزیابی آن در چهارچوب آموزه‌های دین مبین اسلام.

#### فهرست منابع

۴. قرآن کریم (۱۳۷۶) (مترجم: ناصر مکارم شیرازی)، تهران: نشر دارالقرآن الکریم.
۵. اسماعیلی، علی (۱۴۰۳). «نقش فن‌آوری‌های نوین در بازطراحی حکمرانی فرهنگی و ارتقای تاب‌آوری سازمان‌ها»، *اولین کنفرانس ملی حکمرانی و نظام سیاست‌گذاری فرهنگی*.
۶. امام خامنه‌ای مدظله‌العالی. *مجموعه بیانات*، قابل دسترس در وب‌گاه: [www.khamenei.ir](http://www.khamenei.ir)
۷. بدیعی، مرجان؛ و همکاران (۱۳۹۸). «حکمرانی در قرن ۲۱ و چالش‌های پیش روی آن»، *فصلنامه آمایش سیاسی فضا*، دوره ۱، شماره ۳، ۱۸۰-۱۸۸.
۸. حسینی‌ناش، سیدعلی؛ و واثق، قادرعلی (۱۳۹۳). «حکمرانی خوب و ارائه حکمرانی شایسته؛ بررسی شاخص‌ها از دیدگاه امیرالمؤمنین علی(ع)»، *اسلام و پژوهش‌های مدیریتی*، سال ۳، شماره ۲، ۷-۲۸.
۹. خواجوی، زهره؛ و شملان، میثم (۱۴۰۳). «بررسی مبانی و ابزارهای حکمرانی

آینده‌پژوهی تحول در حکمرانی فرهنگی با عاملیت هوش مصنوعی

فرهنگی و اجتماعی فضای مجازی، تحلیل چالش‌ها و فرصت‌های آن و راهکارهای عملی»، اولین کنفرانس ملی حکمرانی و نظام سیاست‌گذاری فرهنگی.

۱۰. ذوالفقاری، نعیمه (۱۴۰۳). «تأثیر فرهنگ حکمرانی بر حکمرانی فرهنگی؛ با محوریت ابلاغ مقام معظم رهبری به اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی در سال ۱۴۰۰»، اولین کنفرانس ملی حکمرانی و نظام سیاست‌گذاری فرهنگی.

۱۱. رضایی آدریانی، سهیل (۱۴۰۳). «بررسی مفهوم حکمرانی فرهنگی»، اولین کنفرانس ملی حکمرانی و نظام سیاست‌گذاری فرهنگی.

۱۲. رضائی، حسن؛ دهقانی، روح‌الله؛ و کیان‌پور، مهرداد (۱۳۹۸). از حکمرانی اسلامی تا دولت معیار؛ مؤلفه‌ها و شاخص‌های اساسی حکمرانی اسلامی.

۱۳. سیاهکار و همکاران (۱۴۰۳). «حکمرانی فرهنگی و اجتماعی فضای مجازی»، اولین کنفرانس ملی حکمرانی و نظام سیاست‌گذاری فرهنگی.

۱۴. فیضی، امیرحسین (۱۴۰۳). «شناسایی شاخص‌های حکمرانی فرهنگی با رویکردی بر اشاعه فرهنگ انقلاب»، تهران: اولین کنفرانس ملی حکمرانی و نظام سیاست‌گذاری فرهنگی.

۱۵. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران (با اصلاحات سال ۱۳۶۸). تهران: خانه کتاب و انتشارات قوانین.

۱۶. کاستلز، مانوئل (۱۳۹۱). عصر اطلاعات: ظهور جامعه شبکه‌ای. (مترجم: احد علیقلیان)، تهران: طرح نو.

۱۷. کاستلز، مانوئل (۱۳۹۳). قدرت ارتباطات، (مترجم: حسین بصیریان جهرمی)، تهران: انتشارات پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات.

۱۸. محمدی، بیوک (۱۳۹۳). درآمدی بر روش تحقیق کیفی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، چاپ سوم.

۱۹. نجاری، رضا؛ و ساده‌نژاد، فخریه (۱۴۰۲). «حکمرانی فرهنگی مفهوم جدیدی از حکمرانی»، فصلنامه منابع و سرمایه انسانی، تابستان ۱۴۰۲، شماره ۸، ۶۷-۷۹.

۲۰. نهج البلاغه (۱۳۸۶). (مترجم: محمدتقی جعفری)، تهران: کارآفرینان فرهنگ و هنر.

۲۱. نیلچی، مازیار؛ خنیفر، حسین؛ و پورعزت، علی اصغر (۱۴۰۳). «طراحی الگوی ارزش‌یابی حکمرانی فرهنگی در پرتو نهج البلاغه»، *مجله علمی مدیریت فرهنگ سازمانی*، دانشگاه تهران: دانشکده‌گان فارابی.

22. Graham, John et al. "Principles for Good Governance in the 21st Century," *Institute On Governance*, 2003. P. 3.
23. Michel Foucault, Lectures at the Collège De France. "Security, Territory, Population": *Lectures at the College De France*, 1977 – 78.
24. Patton, Michael. (1990). *Qualitative Evaluation and research*. Second edition. Newbury park: sage.
25. Patton, Michael. (2002). *Two decades of developments in qualitative inquiry: A personal, experiential perspective*. Qualitative social work.
26. World Bank, (1999) "*Finding on Governance, Institutions and Development*" available in: [www.worldbank.org](http://www.worldbank.org).